

نقدي بر يکي از آراي ديوان داوري ايران - ايالات متحده امريکا

از بدو تشکيل نخستين اجتماعات انساني تاکنون، در هر يك از جوامع بشري، قضات از احترام خاص و شايسته‌اي برخوردار بوده و هستند.

احترامات و توجهاتي که درباره قضات معمول مي‌شود، آشکارا خيلي بيش از احتراماتي است که نسبت به ساير گروه‌هاي اجتماعي مورد احترام، از قبيل پزشکان و استادان مرعي مي‌گردد. حتي در ميان کاهنان هم که از قدیم‌الایام نفوذی در میان توده‌هاي مردم داشته‌اند، آن عده که به امر قضاوت مي‌پرداخته يا مي‌پردازند، نسبت به ساير همکاران خود، از اعتبار خاصي برخوردار بوده و هستند. در مقابل آنهمه احترام و توجه، مردم انتظار داشته و دارند که قضات در صدور آراي خود به حق، عدالت و قانون توجه کنند و آنها را مبنای آراي خود سازند. اين انتظار از قضاتي که در مراجع بين‌المللي به امر خطير قضاوت اشتغال دارند و آراي

آنان موجود رویه‌های قضائی در حقوق بین‌الملل می‌شود، بحق بیشتر از دیگران است. مسئولیت خطیر این قضات و حتی منافع شخصی آنان ایجاب می‌کند که از هرگونه اشتباه و مسامحه و سهل‌انگاری در امر قضاوت بپرهیزند تا حیثیت آنها به سوءنیت متهم نشوند و ارزش اجتماعی خود را از دست ندهند.

پس از تشکیل دیوان داوران ایران، ایالات متحده در لاهه و طرح دعاوی گوناگون در آن دیوان - که هر یک چه از نظر کیفیت و چه از نظر میزان خواسته دارای اهمیت ویژه‌ای بوده است - گاه بگاه و با کمال تأسف به آرائی از آن دیوان برخورد می‌کنیم که برخلاف قانون و مقررات حقوقی، برخلاف حق و برخلاف عدالت بشمار می‌رود، تا آن حد که صرف اطلاق عنوان مسامحه و اشتباه به آن آراء لاقلاً برای بعضی از اشخاص، دشوار به نظر می‌رسد و این فکر بحق یا بناحق، در ذهن آنان خطور می‌کند که آیا صادر کنندگان رأی دارای حسن نیت بوده‌اند؟

حکم شماره 141_7_2 شعبه دوم دیوان داوران ایران - ایالات متحده که در مورد

د عوای «تامز» صادر گردیده نمونه‌ای از آرای اخیرالذکر است که در این مقاله مورد تجزیه و تحلیل و بحث و انتقاد قرار می‌گیرد.

قرارداد فرودگاه جدید بین‌المللی تهران

در تاریخ بیست و هشتم اسفند ماه 1353 بین دو مؤسسه، یکی مؤسسه امریکائی «تیپس، ایت، مک کارتی، استراتن»¹ که اختصاراً «تامز» نامیده می‌شود و مؤسسه ایرانی آقای عبدالعزیز فرمانفرمائی که اختصاراً «آفا» نامیده می‌شود از یک طرف و سازمان هواپیمائی کشوری از طرف دیگر، قراردادی بمنظور استفاده کارفرما (سازمان هواپیمائی کشوری) از خدمات فنی و مشاوره مهندسان مشاور پیمانکار (دو مؤسسه فوق‌الذکر) برای ایجاد فرودگاه بین‌المللی تهران منعقد می‌شود.

بنابر مواد نوزدهم،² بیست و چهارم³ و بیست و پنجم⁴ قرارداد مزبور، روابط

1. Tippetts – Abbott – Mc Carthy Stratton.

2. ماده نوزدهم «حل اختلافات. کلیه اختلافاتی که ممکن است بر اثر اجرا یا تعبیر و تفسیر مندرجات قرارداد بین طرفین قرارداد رخ دهد و نتوان آنها را از طریق مذاکره یا مکاتبه حل و فصل نمود، در کمیسیون مرکب از بالاترین مقام دستگاه اجرائی (یا معاون او) و «مهندس

طرفین قرارداد از هر جهت تابع قانون ایران بوده و کلیه دعاوی ناشی از آن قرارداد در صلاحیت انحصاری دادگاه های ایران قرار داشته و جز در بخشهای مربوط به امور فنی، متن فارسی قرارداد به لحاظ حقوقی و قضائی، معتبر شناخته شده است، و بنا بر ماده بیستم قرارداد⁵ انتقال حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد از طرف پیمانکار به دیگران، بدون تصویب کارفرما ممنوع بوده است.

چون پیمانکار قرارداد مزبور دو مؤسسه (یکی «تامز» امریکائی و دیگری «آفا» ایرانی) بوده و به همین جهت بخشی

مشاور» طرف قرارداد مطرح و در صورتی که نتوانند بر مبنای قرارداد و مقررات مربوطه اختلافات را حل کنند، موضوع طبق قوانین ایران و از طریق مراجعه به دادگاه های صالحه ایران حل و فصل خواهد گردید...».

3. ماده بیست و چهارم: «متن این قرارداد به زبانهای فارسی و انگلیسی تنظیم گردیده، در صورت اختلاف به استثنای ضمیمه های الف و د که در مورد آنها متن انگلیسی نافذ است، در بقیه قسمتها فقط متن فارسی به لحاظ حقوقی و قضائی معتبر خواهد بود».

4. ماده بیست و پنجم: «این قرارداد از هر جهت تابع قوانین دولت شاهنشاهی ایران بوده و در 15 نسخه تنظیم و به امضا رسیده و کلیه نسخ آن اعتبار واحد دارند».

5. ماده بیستم: «مهندس مشاور، خدمات موضوع این قرارداد را توسط کارکنان انجام می دهد؛ ولی حق ندارد بدون تصویب کارفرما، تمام یا قسمتی از خدمات موضوع این قرارداد را به شخص یا اشخاص و یا شخصیت های حقوقی دیگر و یا کارکنان خود واگذار نماید...».

از خدمات مشاورن در امریکا و بخش دیگر آن در ایران انجام می‌گرفته است، لذا دو مؤسسه مذکور بمنظور ایجاد هماهنگی در ارائه خدمات به کارفرما، در تاریخ تیرماه 1354 (اوت 1975) و به تجویز بند سوم ماده بیستم قرارداد⁶ به تشکیل يك مؤسسه غیرانتفاعی به نام «مؤسسه تامز آفا - مهندسی مشاور و معماران» در ایران مبادرت ورزیده و آن را تحت شماره 1674 در دفتر ثبت مؤسسات غیرتجارتی و در اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی به ثبت می‌رسانند.

سرمایه مؤسسه مذکور يك ميليون ريال و مشارکت تامز و آفا در آن به صورت پنجاه - پنجاه بوده است و در نتیجه هريك از دو شريك، سهام مساوي از دارائي مؤسسه را در اختیار داشته‌اند.

6. بند سوم ماده بیستم: «مهندس مشاور بمنظور انجام تعهدات خود می‌تواند شرکت مستقلي تحت قوانین ایران تشکیل داده و به ثبت برساند. انجام خدمات این قرارداد از طریق این شرکت نباید به منزله انتقال قرارداد تلقی شود و تعهدات مشاور طبق آنچه در این قرارداد و ضمیمه آن ذکر شده باقی خواهد ماند. مشاور می‌تواند کتباً از مشتری تقاضا نماید که بهای خدمات را به این شرکت جدید پرداخت نماید».

طبق ماده ششم اساسنامه مؤسسه تامز آفا - مهندسين مشاور و معماران، يك كميتة هماهنگي با عضویت چهار نفر كه هريك از شركا دو نفر آن را تعیین و منصوب مي‌نمایند، نماینده قانوني مؤسسه بوده، امور آن را برعهده گرفته، كارهاي دو شريك مؤسسه را هماهنگ نموده و بر كلیة روابط با كارفرما نظارت خواهد داشت. تمامی تصمیمات كمیته هماهنگي كه از طرف مؤسسه گرفته مي‌شود وقتي معتبر است كه لا اقل دو نفر از اعضای كمیته هماهنگي كه یکی از آنها بوسیلة «تامز» و دیگری بوسیلة «آفا» معین و منصوب شده باشند، با آن موافقت کرده و آن را امضا نموده باشند. کلیه اسناد تعهدآور مؤسسه نیز می‌بایست متفقاً به امضای دو نفر مذکور برسد.

پس از شروع و اجرای قرارداد مذکور، بهای خدمات قرارداد از طرف سازمان هواپیمایی کشوری، بنا بر تقاضای پیمانکار و به تجویز قسمت اخیر بند سوم ماده بیستم قرارداد⁷ به مؤسسه تامز آفا

7. به پانویس شماره 6 مراجعه شود.

— مهندسين مشاور و معماران، پرداخت
ميشده است.

وقوع انقلاب و توقف اجراي قرارداد

مدتي پس از ادامه قرارداد، حوادث انقلابي در ايران بوقوع ميپيوندد و متعاقب آن مهندسان مشاور پيمانكار، نماينده تامز در ايران و آقاي عبدالعزیز فرمانفرمايان صاحب مؤسسه آفا از کشور ايران به خارج عزيمت ميکنند و در دي ماه 1357 (ژانويه 1979) اجراي قرارداد کاملاً متوقف ميشود.

بعداً چون بموجب لايحه قانوني «تعيين مدير يا مديران موقت براي سرپرستي واحدهاي توليدي و صنعتي و تجاري و کشاورزي و خدماتي، اعم از بخش عمومي و خصوصي» مصوب جلسه خرداد يکهزار و سيصد و پنجاه و هشت شوراي انقلاب،⁸ دولت

8. «ماده اول- در مورد واحدهاي توليدي و صنعتي و تجاري و کشاورزي و خدماتي اعم از بخش عمومي و خصوصي، من جمله شرکتهای و مؤسسات صنعتي و معدني و کشاورزي پيمانکاري، مهندسي مشاور، مؤسسات و شرکتهای ساختماني و تاسيساتي، مجتمعهاي مسکوني، مؤسسات حمل و نقل، مؤسسات تخليه و بارگيري در بنادر که مديران و يا

ایران اجازه می‌یابد که برای آن قبیل از واحدهای مذکور در آن لایحه، که مدیران یا صاحبان آنها بعلل مختلف از انجام وظایف خویش خودداری نموده و کار را متوقف و کارگاه خود را رها کرده و یا به هر علت دسترسی به آنها میسر نباشد، مدیران موقتی تعیین نماید، لذا در دوم مرداد 1358 وزیر مشاور در امور سازمان برنامه و بودجه، بمنظور اداره امور جاری مؤسسه تامز آفا - مهندسين مشاور و معماران، و جلوگیری از تعطیل آن و به استناد لایحه قانونی مذکور، آقای آزاد زرین‌نژاد را به سمت مدیر موقت مؤسسه

صاحبان آنها واحدهای مزبور و یا کارگاه خود را رها کرده و یا کار را متوقف نموده و یا به هر علت دسترسی به آنها میسر نیست و نیز بنا به تقاضای صاحبان یا مدیران واحدهای مذکور، هر یک از وزارتخانه‌ها، مؤسسات و یا شرکتهای دولتی که به نحوی با واحد مزبور طرف معامله و یا در ارتباط باشند و یا موضوع فعالیت واحد، مربوط به آن وزارتخانه، مؤسسه و یا شرکت دولتی باشد، می‌توانند به منظور جلوگیری از تعطیل واحدهای نامبرده با اطلاع وزارت کار و امور اجتماعی یک یا چند نفر را به سمت مدیر یا هیئت مدیره و یا اعضای ناظر جهت اداره و یا نظارت بر اداره امور واحدهای مزبور تعیین نمایند.»

تامز آفا - مهندسين مشاور و معماران
تعيين مي‌نمايد.⁹
در اوت 1979 آقاي «اسكارين» از طرف
مؤسسه تامز از امريكا به تهران آمده و
با مدير دولتي مزبور همكاري مي‌كند و
چون در اين زمان مبلغی بابت بهاي خدمات
قرارداد مربوط به پروژه فرودگاه جديد
بين‌المللي تهران، از طرف سازمان
هواپيمائي كشوري به حساب مؤسسه تامز
آفا - مهندسين مشاور و معماران و اريز
شده بود، با جلب موافقت مدير دولتي
مبلغ 34.071.878 ريال از موجودي آن مؤسسه را
به ارز تبديل و از كشور خارج مي‌نمايد.
سپس «تامز» آقاي هوشنگ دانش را بعنوان
نماينده خود براي ادامه امور جاري

9. شماره 1_4918/5_3/1403 مورخ 1358/5/2 - آقاي آزاد
زرين‌نژاد: نظر به اينكه مديران اصلي مؤسسه عبدالعزیز
فرمانفرمائيان و همكاران، واحد تحت سرپرستي و خود را
رها کرده‌اند، لذا به استناد لايحه قانوني مربوط به
تعيين مدير يا مديران موقت براي سرپرستي واحدهاي
توليدي و صنعتي و كشاورزي و خدماتي، اعم از بخش عمومي
و خصوصي، مصوب جلسه مورخ 58/2/24 شوراي انقلاب بمنظور
جلوگيري از تعطيل شركت بااطلاع قبلي وزارت كار و امور
اجتماعي، به سمت مدير موقت مؤسسه مذکور منصوب مي‌شويد
كه امور آن را با رعايت كامل مفاد لايحه قانوني مذکور
كه فتوكپي آن پيوست است، اداره نماييد. حقوق و كليه
مزايای شما بعداً تعيين و ابلاغ مي‌گردد. چنانچه ضمن عمل
به مشكلاتي برخورد كرديد، مراتب را گزارش دهيد تا نسبت
به رفع آنها اقدام شود.

نقدي بر يكي از آراي... ❖ 163

مؤسسه تعیین می‌کند و مؤسسه مذکور طبق معمول با همکاری دو نفر (آقای هوشنگ دانش نماینده تامز و مدیر دولتی نماینده فرمانفرمایان) اداره می‌شود تا اینکه سرانجام در حدود ژانویه 1980 آقای دانش هم ایران را ترک می‌کند و از آن تاریخ بعد رابطه مؤسسه تامز آفا - مهندسین مشاور و معماران با «تامز» بکلی قطع می‌شود.

دعاوی مطروحه در دیوان داوری

پس از تشکیل دیوان داوری ایران - ایالات متحده امریکا در لاهه، وضعیت موجود مؤسسه تامز آفا - مهندسین مشاور و معماران، و نیز توقف کامل اجرای قرارداد مربوط به پروژه فرودگاه جدید بین‌المللی تهران منشأ طرح دعاوی متعدد زیر از طرف تامز علیه دولت جمهوری اسلامی ایران، سازمان هواپیمایی کشوری و چند بانک و سازمان دیگر ایرانی،¹⁰ در دیوان داوری مذکور گردیده است:

10. بانک ملی ایران، بانک ساختمانی، بانک تجارتي ایران و هلند، سازمان برنامه و بودجه، نیروی هوایی ایران و مؤسسه تامز آفا - مهندسین مشاور و معماران.

الف. دعواي مطالبه 8.885.589 دلار بابت دستمزد خدمات انجام شده طبق قرارداد، اعم از وجه صورتحسابهاي ارسالي براي كارفرما كه پرداخت نشده و بهاي خدماتي كه انجام شده ولي صورتحساب آنها براي كارفرما ارسال نگردیده است و نیز مبالغه که سازمان هواپیمائی كشوري طبق شرط مندرجه در قرارداد، بعنوان تضمین حسن خدمت از وجه صورتحسابهاي پرداختي به تامزآفا كسر و نگاه داشت است.

ب. دعواي مطالبه 514.536 دلار بابت پنجاه درصد ارزش كل مؤسسه تامزآفا - مهندسين مشاور و معماران، كه حسب ادعای مدعي، توسط دولت ايران از مالك آن سلب مالكیت شده است با این شرط كه چنانچه دیوان داوري به دلیل قید مرجع رسیدگی در قرارداد، دعواي مذکور در بند الف فوق‌الذکر را خارج از صلاحیت دیوان داوري تشخیص دهد، حسابهاي دریافتي تامزآفا از هواپیمائی كشوري بموجب قرارداد فرودگاه بین‌المللی نیز جزو ارتش تامز آفا منظور شود.

ج. دعواي مطالبه 24.601 دلار بابت استرداد يك سپرده نقدي 1.736.840 ریالي

نقدي بر يكي از آراي... ❖ 165

که حسب ادعای مدعی، بانک ملی ایران من غیر حق ضبط کرده است.

دادخواست مربوط به دعاوی مذکور، تحت پرونده شماره 7 در شعبه دوم دیوان داوران ایران - ایالات متحده مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و ضمن آن رسیدگی، خواندگان از جهت متعدد نسبت به صلاحیت دیوان داوران مزبور در رسیدگی به دعاوی مطروحه، ایراد می‌کنند و در ماهیت امر منکر هرگونه مسئولیت در مقابل ادعاهای مطروحه می‌شوند و سلب مالکیت از مؤسسه تامز آفا را انکار کرده و مدعی می‌شوند که ارزش آن مؤسسه در سال 1979 (1358) منفي بوده است و بعلاوه به طرح دعاوی متقابل زیر علیه خواهان مبادرت می‌ورزند:

1. دعوی تقابل مطروحه از طرف سازمان هواپیمائی کشوری به این شرح که مهندس مشاور تعهدات قراردادی خود را به نحو صحیح انجام نداده، در موارد مختلف مرتکب قصور شده و از جمله بررسی‌های لازم را در مورد قناتهای موجود در محوطه فرودگاه و تخریب و پرکردن آنها معمول نداشته، آزمایشات خاک شناسی او کاملاً

نارسا و ناقص بوده، در انتخاب پیمانکار فرعی و صلاحیت و کاردانی وی مطالعات و دقت کافی بعمل نیاورده و به جهات مذکور، سازمان هواپیمائی کشوری را متحمل خساراتی به میزان 910.060.830 ریال نموده است که جبران آن را خواستار می شود مضافاً به اینکه طبق قرارداد، پروژه فرودگاه جدید بین المللی تهران میبایست در سال 1981 (1360) پایان یافته و آماده بهره برداری می شد؛ اما خدمات واقعی کار انجام شده، از برنامه انجام کار پیشبینی شده در قرارداد، به مراتب عقبتر است و در نتیجه این تأخیر، پروژه عقیم مانده، سرمایه گذاری سازمان هواپیمائی کشوری در خصوص مورد از بین رفته و این سازمان از درآمدهای که بحق در انتظار آن بود محروم گردیده که ارزیابی و جبران این خسارات را هم درخواست نموده است.

2. دعوی تقابل مطروحه از طرف مؤسسه تامز آفا - مهندسین مشاور و معماران، بابت سهم مدعی اصلی از دیونی که مؤسسه مذکور حسب ادعا به اشخاص ثالث بدهکار می باشد.

3. دعاوي تقابل مطروحه از طرف بانك ساختماني و بانك تجارتي ايران و هلند بابت كارمزد ضمانتنامه هاي بانكي صادره به درخواست مؤسسه تامز آفا.

رأي ديوان داوري

شعبه دوم ديوان داوري ايران – ايالات متحده، پس از رسيدگي هاي لازم، سرانجام در اول تيرماه 1363 (بيست و دوم ژوئن 1984) با اكثريت آراي آقايمان «ريپهـاخن» داور هلندي وسط و «جرج. اچ. الدرچ» داور امريكائي، به صدور رأي مبادرت مي ورزد. آقاي دكتر شفيع شفيعي داور ايراني كه در اقليت قرار مي گيرد، از امضاي آن رأي امتناع کرده و بطور كاملاً مشروحي نظر خود را در مخالفت با صدور رأي ماهوي به نفع مدعي اصلي، اعلام مي دارد. رأي اكثريت تحت شماره 2_7_141 در تاريخ بيست و دوم تير 1363 (سيزدهم ژوئيه 1984 در دفتر ديوان داوري ايران – ايالات متحده به ثبت مي رسد و سپس در قسمتي كه راجع به ماهيت امر و محكوميت دولت جمهوري اسلامي ايران بوده اجرا مي گردد.

طبق رأی مذکور، دیوان داوری به استناد بند يك ماده دوم بیانییه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر درباره حل و فصل دعاوی توسط دولت ایالات متحده امریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران¹¹ و ماده نوزدهم قرارداد و فرودگاه جدید بین‌المللی تهران،¹² خود

11. بند يك ماده دوم: «بدین وسیله يك هیئت داوری (هیئت رسیدگی به دعاوی ایران و ایالات متحده) بمنظور اتخاذ تصمیم درباره ادعاهای اتباع ایالات متحده علیه ایران و ادعاهای اتباع ایران علیه ایالات متحده و هرگونه ادعای متقابل ناشی از قرارداد فیما بین، معامله یا پیش‌آمدي که مبنای ادعای آن شعبه باشد، تشکیل می‌گردد؛ در صورتی‌که اینگونه ادعاها و ادعاهای متقابل در تاریخ این بیانییه‌ها برجا بوده اعم از اینکه در دادگاهی مطرح شده باشد یا مطرح نشده، و ناشی از دیون، قراردادها (شامل اعتبارات اسنادی یا ضمانتنامه‌های بانکی)، ضبط اموال و یا هر اقدام دیگری که مؤثر در حقوق مالکیت باشد. موارد مندرج در بند 11 بیانییه مورخ 29 دي ماه 1359 (19 ژانویه 1981) دولت الجزایر ادعاهای ناشی از اقدامات ایالات متحده در قبال موارد مذکور در آن بند، همچنین ادعاهای ناشی از قراردادهاي تعهدآور فیما بین که در آن قراردادها مشخصاً رسیدگی به دعاوی مربوطه در صلاحیت انحصاری دادگاه‌های صالحه ایران، باتوجه به نظر مجلس شورای اسلامی ایران باشد، از این امر مستثنی هستند».

12. ماده نوزدهم: کلیه اختلافاتی که ممکن است بر اثر اجرا یا تعبیر و تفسیر مندرجات این قرارداد بین طرفین قرارداد رخ دهد و نتوان آنها را از طریق مذاکره یا مکاتبه حل و فصل نمود، در کمیسیوني مرکب از بالاترین مقام دستگاه اجرائی (یا معاون اول) و «مهندس مشاور» طرف قرارداد مطرح و در صورتی‌که نتواند بر مبنای قرارداد و مقررات مربوطه اختلافات را حل کند، موضوع

نقدي بر يکي از آراي... ❖ 169

را براي رسيدگي به ادعا و ادعاهاي متقابل مبتني بر قرارداد (دعوي اصلي «تامز» راجع به مطالبه 8.885.589 دلار و دعوي تقابل سازمان هواپيمائي كشوري راجع به مطالبه 910.060.830 دلار به اضافه خسارات ناشي از تأخير در انجام خدمات مورد تعهد عدم النفع) صالح ندانسته و به لحاظ فقدان صلاحيت، آن دعوي را رد مي نمايد. و نيز ديوان داوري در مورد دعوي اصلي تامز راجع به ابطال ضمانتنامه هاي بانكي و تعهدات مربوطه و دعوي متقابل بانكها مربوط به كارمزد ضمانتها، خود را صالح به رسيدگي ندانسته و چنين استدلال کرده است:

بند يك ماده دوم بيانيه حل و فصل دعوي¹³ قيد مي كند كه ديوان صلاحيت رسيدگي به ادعاهاي ناشي از قراردادها ... (شامل اعتبارات اسنادي يا ضمانتنامه هاي بانكي) ... را دارد. بنا بر اين ديوان بمنظور يك موضوع مقدماتي صلاحيت رسيدگي به موضوع ادعاهاي حاضر را دارد؛ ليكن

طبق قوانين ايران و از طريق مراجعه به دادگاههاي صالحه ايران حل و فصل خواهد گرديد». **13.** به پانويس شماره 11 مراجعه شود.

ضمانتنامه‌های بانکی و تعهدات مربوطه مورد اختلاف در پرونده حاضر طبق تعهداتی که با قرارداد فرودگاه بین‌المللی ایجاد شده منعقد گردیده و ادعای دستور ابطال آنها فرع بر ادعای مبنی بر قرارداد است، به این معنی که اساس خواسته مورد تقاضا، نقض آن قرارداد است و نه قرارداد های بین تامزآفا و بانکها. به دلایل مندرج در قسمت اخیرالذکر، ادعای مبنی بر قرارداد فرودگاه بین‌المللی از صلاحیت این دیوان خارج است. بنابراین ادعای تامز مبنی بر ابطال ضمانتنامه‌های بانکی و تعهدات مربوطه نیز به لحاظ فقدان صلاحیت رد می‌شود.

از آنجا که ادعای عدیه بانکها از صلاحیت دیوان خارج است و از آنجا که تامز آفا و نه خواهان در مورد آن ضمانتنامه‌ها طرف قرارداد بانکها بوده، ادعای متقابل مربوط به کارمزد ضمانتنامه‌ها نیز باید به لحاظ فقدان صلاحیت مردود شناخته شوند.

در مورد دعوی مربوط به استرداد سپرده بانکی هم، دیوان داور به شرح زیر عدم صلاحیت خود را اعلام و آن را رد کرده است:

تامز ادعای وصول مبلغ 24.601 دلار که معادل ریالی سپرده خود در بانک ملی در اکتبر 1979 بود را دارد. بانک ملی اظهار داشته است که تامز در حال حاضر سپرده به مبلغ 1.736.840 دلار دارد ولیکن همانطور که خواهان نیز اذعان دارد، تامز قبل از 19 ژانویه 1981 (29 دی ماه 1359) این وجوه را مطالبه نکرده است. نظر به اینکه سپرده مطالبه نشد، طبق الزام بند یک ماده 2 بیانیه حل و فصل دعاوی در مورد صلاحیت¹⁴ در تاریخ نوزدهم ژانویه 1981 (29 دی ماه 1359) ادعای پابرجا نبوده است؛ بنابراین دیوان ادعای تامز بابت سپرده بانکی را به لحاظ فقدان صلاحیت رد می‌کند.

و اما در مورد دعوی مطالبه 514.536 دلار بابت پنجاه درصد ارزش کل مؤسسه تامز آفا - مهندسین مشاور و معماران و نیز دعوی تقابل مؤسسه مذکور، دیوان

14. به پانویس شماره 11 مراجعه شود.

داوري ضمن آنکه بشرح ذیل: «خواننده تامز آفا مدعي است که ارزش آن منفي بوده و متقابلاً بابت پرداخت سهم خواهان از ديوني که حسب ادعا تامز آفا به اشخاص ثالث بدهکار است، طرح ادعای متقابل می‌کند. دیوان باتوجه به نظرات خود در ماهیت ادعا که ذیلاً درج می‌شود، لازم نمی‌داند که در پرونده حاضر تعیین کند که آیا صلاحیت رسیدگی به چنین ادعای متقابلی را دارد یا خیر. مع هذا تا حدودی که منظور تامز آفا طرح ادعای متقابل بابت مالیات‌ها و حق بیمه‌های اجتماعی است که حسب ادعا تامز بطور جداگانه به مقامات ایرانی بدهکار است، تامز آفا خود اهدایت طرح چنین ادعای متقابلی را نداشته و بنابراین ضرورتی ندارد تصمیم گرفته شود که در پرونده حاضر چنین ادعائی مشمول صلاحیت دیوان می‌شود یا خیر؟»، قسمتی از دعوی تقابل تامز آفا را به لحاظ عدم اهلیت خواهان تقابل رد می‌کند، در مورد دعوی اصلی و بقیه دعوی تقابل، پس از شرح نحوه تشکیل مؤسسه تامز آفا و اداره امور آن و تعیین مدیر دولتی برای آن مؤسسه و

عزیمت آخرین نماینده تامز در مؤسسه مذکور در دسامبر 1979 از ایران، و قطع کامل ارتباط مؤسسه تامز آفا با تامز بعد از دسامبر 1979 و ادامه فعالیت‌های بعدی تامز آفا با وجود قطع رابطه با تامز، چنین انشای رأی می‌نماید:

با توجه به این واقعیات، دیوان نتیجه می‌گیرد که خواهان با محرومیت از منافع مالکانه خود در تامز آفا حداقل از اول مارس 1980 (10 اسفند ماه 1358) مشمول «اقدامات مؤثر بر حقوق مالکیت» واقع و دولت ایران به واسطه اعمال و ترک فعل خود، مسئول این محرومیت می‌باشد. خواهان به موجب حقوق بین‌الملل و اصول کلی حقوقی، استحقاق دریافت غرامت معادل ارزش کامل مالی که از آن محروم شده است را دارد.¹⁵ دیوان ترجیح

15. رجوع شود به دعوی کارخانه کورزو chorzow Factory Case (آلمان علیه لهستان 1928 دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی، سری الف، ش 17، ش 17، ص 47 (رأی 13 سپتامبر)، ادعاهای کشتی داران نروژی Norwegian shipowners, Claims (نروژ علیه ایالات متحده) گزارش‌های سازمان ملل درباره احکام داوری بین‌المللی، ش 307 (1922)، طرفین در پرونده حاضر درباره موضوع ذی‌ربط بودن مفاد بند 2 ماده چهار عهدنامه مودت مورخ 25 اوت 1955 بین ایران و امریکا درباره حمایت از سرمایه‌گذاری بحث نکرده‌اند.

می‌دهد اصطلاح «محرومیّت»¹⁶ را به جای «گرفته شدن»¹⁷ بکار برد - هرچند که این دو اصطلاح تا حدود زیادی مترادف هستند؛ زیرا که مفهوم ضمنی اصطلاح اخیر این است که دولت چیز با ارزشی را به دست آورده است حال آنکه ورود به چنین بحثی ضرورت ندارد.

محروم کردن از اموال یا گرفتن آن می‌تواند طبق حقوق بین‌الملل از طریق مداخله دولت در استفاده از مال یا بهره‌مند شدن از مزایای آن صورت گیرد حتی وقتی که این عمل، تأثیری در مالکیت قانونی آن مال نداشته باشد.¹⁸

در حالی که به دست گرفتن کنترل اموال توسط دولت، خودبخود بلافاصله این نتیجه‌گیری را که دولت آن اموال را ضبط کرده، و بنابراین طبق حقوق بین‌الملل مستلزم پرداخت غرامت است، توجیه نمی‌کند، مع‌هذا هرگاه رویدادها نشان دهد که مالک از حقوق اساسی مالکیت محروم

16. deprivation.

17. taking.

18. See 8 Whiteman, *Digest of International Law* 1006 - 20; Christie, *what Constitutes a Taking Under International Law?* 38 Brit. Y.B. In'l. Law 307 (1962); and the *Lena Goldfield's Case* reprinted in Nussbaum, *The Arbitration Between the Lena Goldfield's Ltd. And the Soviet Government*. 36 *cornell L.Q.* 31 (1950).

شده و ظاهراً محرومیت امری صرفاً گذرا نبوده، اینچنین نتیجه‌گیری قابل توجیه است. قصد دولت اهمیت کمتری از آثار اقدامات دولت بر صاحب مال داشته و شکل کنترل یا دخل و تصرف، از واقعیت اثر آن کنترل و مداخله، حائز اهمیت کمتری می‌باشد.

در پرونده حاضر، خواهان و مدیر عامل منصوب دولت در تامز آفا در اواسط سال 1979 توانستند با یکدیگر همکاری کافی داشته باشند بطوریکه انتصاب فی‌نفسه در مورد حاضر نمی‌تواند اقدامی محسوب شود که خواهان را از اموال خود محروم نموده باشد. لکن تحول اوضاع در اواخر سال 1979 و اوایل 1980 و بویژه بلاجواب گذاردن مطلق نامه‌ها و تلکسها و فقد هرگونه مراسله‌ای از جانب تامز آفا با خواهان، بطور مؤثر به همکاری مذکور خاتمه داد و خواهان را از منافع مالکانه خود در تامز آفا محروم نمود. اگر تردیدی هم درباره این مسئله در اوایل 1980 وجود داشت، با عدم بهبود اوضاع و گذشت زمان، رفع شده است.

ارزش تامز آفا

خواهان پرونده حاضر ارزش منافع خود در تامز آفا را بعد از تصفیه آن، یعنی ارزش تامز آفا بعد از وصول کلیه دارائیهها و ایفای کلیه تعهدات مطالبه می‌کند. بنابراین وظیفه دیوان این است که از دارائیهها و تعهدات تامز آفا در اول مارس 1980 (10 اسفند ماه 1358) دقیقترین برآورد ممکن را به دست دهد. این کار تنها متضمن ارزشگذاری حسابهای دریافتنی تامز آفا از جمله حسابهای مشمول قرارداد فرودگاه بین‌المللی و نیز دیون تامز آفا از جمله دیون مالیاتی و بیمه‌های اجتماعی و تعهدات بالقوه مانند تعهداتی که در ادعای متقابل بموجب قرارداد فرودگاه بین‌المللی در پرونده حاضر اقامه شده است و دیوانی که احتمالاً از ضمانتنامه‌های بانکی ناشی شود نیز می‌باشد.¹⁹

از نحوه عمل طرفین قرارداد روشن است که حسابهای دریافتنی، متعلق به

19. در حالیکه باید بدهی‌های مالیاتی و حق بیمه‌های اجتماعی تامز آفا برای ارزشگذاری آن برآورد شود، بدهی جداگانه‌ای که تامز حسب ادعا بابت مالیات و بیمه‌های اجتماعی دارد، البته به ارزش تامز آفا ارتباطی ندارد.

تامز آفا بوده و به فرد فرد شرکا تعلق ندارد. تامز آفا صورتحسابها را به هواپیمائی کشوری تسلیم نمی‌نمود و هواپیمائی کشوری وجوه صورتحسابها را به تامز آفا می‌پرداخت. تقسیم عواید بین شرکا هرچند یکبار، براساس تصمیمات تامز آفا صورت می‌گرفت. دیوان متذکر می‌شود که خوانندگان در مدافعات خود استدلال کرده‌اند که تنها تامز آفا می‌تواند بموجب قرارداد فرودگاه بین‌المللی، تأسیس یک واحد مستقل و پرداخت حق‌الزحمة قرارداد به آن واحد را مجاز می‌داشت.²⁰ هرچند آن ماده روشن می‌کرد که تامز آفا بموجب آن ماده نمی‌توانستند تعهدات خود را بموجب قرارداد از خود سلب کنند، ولی آنچه که رویه بعدی تأیید می‌کند این است که واحد جدید - و نه دو شریک حق داشته

20. بند 3 ماده 20: «مهندس مشاور می‌تواند جهت انجام خدمات موضوع این قرارداد، مؤسسه مستقلی طبق قوانین ایران تشکیل [داده] و به ثبت برساند. انجام خدمات موضوع این قرارداد توسط مؤسسه مذکور، انتقال قرارداد تلقی نخواهد شد و مسئولیت «مهندس مشاور» و تعهدات وی به ترتیب مندرج در این قرارداد و ضامم، کماکان به قوت خود باقی خواهد ماند. «مهندس مشاور» می‌تواند کتباً از «کارفرما» درخواست کند که مبالغ حق‌الزحمة را در وجه این مؤسسه پرداخت کند.»

است بموجب قرارداد هواپیمائی که شوروی وجهی دریافت کند.

دیوان داوری تصدیق می‌کند که دقت در تعیین ارزش حساب‌های دریافتنی بموجب قرارداد فرودگاه بین‌المللی و تعهدات مربوط، در غیاب فیصله قطعی و قاطع اختلافات فیما بین هواپیمائی شوروی و تامز آفا که امری است خارج از صلاحیت دیوان، کار دشواری است. در مورد تعیین دیوان تامز آفا به اشخاص ثالث نیز دشواری‌های مشابهی وجود دارد. این نکته باید بروشنی درک شود که این حکم در مورد حقوق و تعهدات طرفین قرارداد فرودگاه بین‌المللی یا تعهدات دیگری که تامز آفا به مقامات مالیاتی و بیمه‌های اجتماعی ایران یا اشخاص ثالث دارد، قضاوت نمی‌کند.²¹

بدین ترتیب، دیوان در تعیین دقیق‌ترین برآورد از ارزش خالص تامز آفا راجع به مسائلی که خارج از صلاحیتش

21. از آنجا که ادعاهای متقابل بابت مالیات و حق بیمه‌های اجتماعی و مطالباتی که بابت کار انجام شده در پرونده فرودگاه بین‌المللی، مستقیماً قابل طرح در این دیوان نمی‌باشد، رسیدگی عرضی دیوان به آن مسائل، اعتبار امر مختومه پیدا نمی‌کند. رجوع شود به:

See K. Carlston, *The Process of International Arbitration* 88 (1946).

می‌باشد، تصمیم نمی‌گیرد. نادیده گرفتن کامل دارائی‌هایی مانند حسابهای دریافتنی بموجب قرارداد فرودگاه بین‌المللی و دیونی مانند مالیات و حق بیمه‌های اجتماعی، با اینکه قضاوت درباره اختلافات مربوط به آن دارائیها و دیون از حیطة صلاحیت دیوان خارج است، منصفانه و منطقاً قابل دفاع نیست.

دیوان در این رابطه متذکر می‌گردد که اگر هواپیمائی کشوری صورتحسابهای تسلیمی تامز آفا را پرداخت کرده بود و این وجوه، قسمتی از حسابهای توزیع نشده تامز آفا می‌بود، در آن صورت مسلماً جزئی از ارزش تامز آفا بعد از تصفیه آن محسوب می‌شد. به همین نحو، اگر تامز آفا کلیة مالیاتها و تعهدات بیمه‌های اجتماعی خود را پرداخت کرده بود، آن پرداختها ارزش بعد از تصفیه تامز آفا را کاهش می‌داد. اگر پرداخت‌های مربوط به کار در پروژه فرودگاه بین‌المللی من‌غیر حق توسط یک سازمان دولت جمهوری اسلامی ایران ضبط شده باشد و دیوان نیز آن وجوه را به دلیل عدم پرداخت، در ارزش بعد از تصفیه تامز آفا منظور نکند، در آن صورت مؤسسه

خوانده، از عمل خلاف خود منتفع می‌شود. و بالعکس اگر تامزآفا من غیرحق مالیات و تعهدات بیمه‌های اجتماعی را نپرداخته و دیوان این تعهدات را کسر نکند، در آن صورت نامبرده از عمل خلاف خود سود می‌برد. این اصل در بسیاری از نظام‌های حقوقی داخلی و حقوق بین‌الملل، کاملاً پذیرفته شده است که هیچ‌کس نباید مجاز باشد که از عمل خلاف خود تحصیل سود کند.²²

Nullus Commodum Capere De sua Injuria propria.

از طرف دیگر برای دیوان به همان اندازه غیرمنصفانه و منطقاً غیرقابل دفاع است که فرض کند کلیه پرداخت‌های مربوط به پروژة فرودگاه بین‌المللی که حسب اظهار خواهان، من غیر حق نگاه داشته شده است، واقعاً نیز من غیر حق نگاه داشته شده باشد و یا فرض کند که کلیه مالیات‌ها و تعهدات بیمه‌های اجتماعی که حسب ادعای خواننده بر عهده تامز آفا می‌باشد، واقعاً بر عهده آن بوده و پرداخت نشده باشد. همان‌طور که در بالا عنوان

22. رجوع شود بطور کلی به:

B. Change, *General Principles of law as Applied by International Courts and Tribunals* 149 (1953).

گردید، قضاوت درباره اختلافات مربوط به دارئیها و دیون نامبرده، خارج از صلاحیت دیوان است و این اختلافات در زمانی که خواهان از منافع مالکانه خود در تامزآفا محروم گردید، هنوز وجود نداشت. از اظهارات و مدارک تسلیمی طرفین به دیوان به نظر می‌رسد که از یک طرف پاره‌ای از اوضاع و احوال مربوط به واقعیات، حتی امروز هم مورد اختلاف نبوده و از طرف دیگر فقط بخشی از اختلافاتی که واقعاً وجود دارد. با مدارک تسلیمی تأیید می‌شود و نیز اینکه، بر سر واقعیات مرتبط با این اختلافات از نظر حقوقی استنباطات معارضي ملاحظه می‌شود. دیوان در چنین شرایطی تنها می‌تواند یک ارزشگذاری بسیار تقریبی از دارائیها و تعهدات مربوط به دست‌دهد و در این ارزشگذاری باید نامعلوم بودن نتیجه هر قضاوت قطعی درباره اختلافات توسط یک دادگاه صالح نیز مدنظر قرار گیرد. و بالاخره اینکه، دیوان متذکر می‌شود مدارک موجود حاکی از آنند که دین تامزآفا به آفا تقریباً 47 میلیون ریال بیشتر از دینی است که بابت بازپرداخت

هزینه‌ها به تامز داشته است و این مبلغ باید قبل از تعیین ارزش بعد از تصفیه، کسر شود.

دیوان داوری براساس ملاحظات پیش گفته ارزش بعد از تصفیه تامز آفا در اول مارس 1980 (10 اسفند ماه 1358) را 800.000.000 ریال تعیین نموده و بنابراین خواهان حق دارد بابت پنجاه درصد منافع خود در تامز آفا مبلغ 400.000.000 ریال دریافت نماید.

به دلایل فوق، خواننده، دولت جمهوری اسلامی ایران ملزم است که به خواهان گرامتی به مبلغ 5.594.405 دلار امریکا که معادل 400.000.000 ریال در اول مارس 1980 (10 اسفند ماه 1358) بوده است، پرداخت نماید.

بهره

برای جبران خسارت متحمل شده توسط خواهان بابت تأخیر در تأدیه، دیوان منصفانه می‌داند که حکم به پرداخت بهره‌ای به نرخ 12 درصد از اول مارس 1980 (10 اسفند ماه 1358) صادر کند.

هزینه‌ها

هریک از طرفین هزینه‌های داوری خود را تقبل خواهد کرد.

حکم

دیوان داوری بشرح زیرحکم صادر می‌نماید:
خواننده، دولت جمهوری اسلامی ایران ملزم است به خواهان **تیدپتس، ایت، مک کاردی، استراتن** مبلغ 5.594.405 دلار امریکا بعلاوة بهره‌ای به نرخ 12 درصد در سال از اول مارس 1980 (10 اسفند ماه 1358) تا تاریخ صدور دستور پرداخت توسط کارگزار امانی به بانک امین، از حساب تضمین‌ی پرداخت نماید. تعهد مذکور با پرداخت از محل حساب تضمین‌ی‌مفتوحه بموجب بیانیة مورخ 19 ژانویه 1981 (29 دی ماه 1359) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر ایفا خواهد شد.

ادعاهای متقابل تامز آفا در ماهیت، رد می‌شود مگر تا حدودی که ادعاهای متقابل شامل مالیات‌هایی باشد که حسب ادعا خواهان به مقامات مالیاتی ایران بدهکار است و این ادعای متقابل نیز بعلت عدم اهلیت تامز آفا در طرح این

دعوي مردود شناخته مي‌شود. مابقي ادعاها و ادعاهاي متقابل بعلمت فقدان صلاحيت ديوان رد مي‌شوند. هريك از طرفين ملزم به پرداخت هزينه‌هاي داوري خود مي‌باشد. بدین وسيله حكم حاضر، جهت ابلاغ به كارگزار امانی به رياست ديوان تسليم مي‌گردد.

لايه به تاريخ 22 ژوئن 1984 برابر با 1
تيرماه 1363
ويلم ريهان
ا.چ.الدریج
رئيس شعبه دوم

نقد رأي ديوان داوري

نويسنده اين مقاله، نسبت به آن قسمت از رأي شعبه دوم ديوان داوري ايران - ايالات متحده امريكا كه مشعر بر صدور قرار رد دعاوي متعدد اصلي و تقابل به لحاظ عدم صلاحيت ديوان مزبور يا عدم اهليت مدعي است، ايرادي ندارد؛ اما راجع به قسمتي از آن رأي كه در ماهيت

نقدي بر يكي از آراي... ❖ 185

امر و در نتیجه مبني بر محکومیت دولت ایران به پرداخت 5.594.405 دلار امریکائی بابت اصل و نیز پرداخت خسارت تأخیر تأدیه به میزان معینه در رأی مذکور میباشد، معتقد است که حکم صادره برخلاف اصول، برخلاف حق، برخلاف عدالت، غیر مدلل، واجد استدلال متناقض و کاملاً مخدوش میباشد.

ظاهراً پایه و اساسی که دیوان داور، طبق رأی صادره برای صدور حکم محکومیت دولت ایران در نظر گرفته، مبتنی بر احراز مراتب زیر است:

1. دو مؤسسه «تامز» و «آفا» کلیه بهای خدمات مشاوره‌ای خود را که طبق قرارداد فرودگاه جدید بین‌المللی تهران ذی‌حق در وصول آن از سازمان هواپیمائی کشوری بوده‌اند، به مؤسسه «تامز آفا - مهندسین مشاور و معماران» قطعاً تملیک و منتقل نموده‌اند و لذا مؤسسه اخیرالذکر منتقل‌الیه و مالک وجوهی است که سازمان هواپیمائی کشوری ایران بابت بهای خدمات مهندسی پروژه فرودگاه مزبور به مؤسسه امریکائی تامز و مؤسسه ایرانی آفا بدهکار بوده است.

2. تامز و آفا تا تاریخ دهم اسفند 1358 (اول مارس 1980) طبق قرارداد مربوط به پروژه فرودگاه جدید بین‌المللی تهران، مبلغ 10.159.738 دلار²³ بابت بهای قسمتی از خدمات مهندسی آن پروژه، از سازمان هواپیمایی کشوری ایران طلب قطعی و مسلم داشته‌اند که به لحاظ تملیک و انتقال آن به مؤسسه تامزآفا - مهندسين مشاور و معماران، سازمان هواپیمایی کشوری مدیون آن طلب قطعی و مسلم به مؤسسه اخیرالذکر بوده است.

3. دولت ایران در تاریخ دهم اسفند 1358 (اول مارس 1980) تامز را از منافع مالکانه خود در مؤسسه تامزآفا -

23. مبلغ مزبور را از این محاسبه به دست آورده‌ام که تامز طبق دادخواست تقدیمی به دیوان داورى لاهه، بابت پنجاه درصد ارزش مؤسسه تامز آفا مهندسين مشاور و معماران، در تاریخ محرومیت ادعائی از منافع مالکانه خودش در آن مؤسسه، مبلغ 514.536 دلار مطالبه کرده و بنابراین ارزش کل آن مؤسسه در تاریخ مذکور، طبق اعلام تامز 1.029.072 دلار بوده است. ولی دیوان داورى ارزش کل (بعد از تصفیه) آن مؤسسه را در همان تاریخ هشتصد میلیون ٫٫ برآورد کرده است که با نرخ هر دلار 71/5 ٫٫ (نرخ تسعیر مورد محاسبه در رأی دیوان داورى باتوجه به اینکه در آن رأی چهار صد میلیون ٫٫ معادل 5.594.405 دلار اعلام شده) معادل 11.188.810 دلار می‌شود که مابه‌التفاوت رقم اخیرالذکر با رقم 1.029.072 دلار فوق‌الذکر، مبلغ 10.159.738 دلار می‌باشد.

نقدي بر يکي از آراي... ❖ 187

مهندسين مشاور و معماران محروم نموده است.

براستي اگر موارد سه گانه مزبور محرز مي‌بود، هيچ اشكالي بر حكم ديوان داوري وارد به نظر نمي‌رسيد، اما متأسفانه نه تنها آن موارد محرز نيست بلكه ديوان داوري در احراز مورد دوم فوق‌الذكر، اصول مسلمه حقيقي را زير پا گذارده و دچار تناقض در استدلال و نتيجه‌گيري‌هاي متناقض‌تر شده است.

اكنون بياييد يك يك آن موارد را بررسي كنيم:

1. موقعيت مؤسسه تامز آفا - مهندسين مشاور و معماران

همان‌طور كه قبلاً متذكر شديم چون يك طرف قرارداد فرودگاه جديد بين‌المللي تهران، دو مؤسسه، يكي با نام اختصاري تامز و امريكائي و ديگري با نام اختصاري آفا و ايراني بوده و به همين جهت بخشي از خدمات مشاوره‌اي موضوع قرارداد مذکور در امريكا و بخش ديگر آن در ايران انجام مي‌پذيرفته است، لذا در حدود چهار ماه پس از امضاي قرارداد

مزبور، دو مؤسسه نامبرده بمنظور ایجاد هماهنگی در ارائه خدمات به کارفرما (سازمان هواپیمائی کشوری) یک مؤسسه غیر بازرگانی و غیرانتفاعی ایرانی به نام «مؤسسه تامز آفا - مهندسين مشاور و معماران» تشکیل می‌دهند. مؤسسه مزبور خدماتی را که در پروژه فرودگاه جدید بین‌المللی تهران بوسیله مؤسسه تامز و مؤسسه آفا در امریکا و ایران انجام می‌شده به کارفرما ارائه می‌داده و نیز با استفاده از مقررات بند سوم ماده بیستم قرارداد²⁴ و طبق تقاضای کتبی دو مؤسسه فوق‌الاشعار، دستمزدهای مربوط به خدمات ارائه شده را از طرف و به حساب آن دو مؤسسه، از سازمان هواپیمائی کشوری دریافت می‌کرده است. به این ترتیب مؤسسه تامز آفا - مهندسين مشاور و معماران، در حقیقت یک نماینده واسط بین طرفهای قرارداد فرودگاه جدید بین‌المللی تهران بوده که صورت حسابهای تنظیمی از طرف مهندسان مشاور را به سازمان هواپیمائی کشوری تسلیم و دستمزدهای مربوطه را از آن سازمان دریافت می‌نموده و به تامز و

24. رجوع کنید به پانویس شماره 6.

آفا تحويل مي‌داده و بدین نحو ارتباط بین طرفین قرارداد را برقرار می‌کرده است. علی‌هذا مؤسسه تامز آفا - مهندسین مشاور و معماران، به هیچ‌وجه شخصاً منتقل‌الیه و مالک وجوهی که سازمان هواپیمائی کشوری طبق قرارداد فرودگاه جدید بین‌المللی تهران می‌بایست به مؤسسه امریکائی تامز و مؤسسه ایرانی «آفا» بابت بهای خدمات مهندسی طرح آن فرودگاه بپردازد، نبوده است.

تقاضای تامز و آفا از سازمان هواپیمائی کشوری در مورد پرداخت بهای خدمات مشاوره‌ای آنان به مؤسسه تامز آفا - مهندسین مشاور و معماران را به هیچ‌وجه نمی‌توان دلیل تملیک و انتقال قطعی بهای خدمات موضوع قرارداد فرودگاه جدید بین‌المللی تهران از طرف متقاضیان به مؤسسه غیرانتفاعی اخیرالذکر بشمار آورد؛ زیرا:

الف. تامز از یک طرف با طرح ادعای مطالبه 8.885.589 دلار بابت دستمزد خدمات انجام شده طبق قرارداد فرودگاه، علیه سازمان هواپیمائی کشوری و از طرف دیگر با طرح دعوی مطالبه 514.536 دلار به

طرفین دولت ایران، با بت پنجاه درصد ارزش کل مؤسسه تامز آفا - مهندسین مشاور و معماران که حسب ادعای مدعی از مالک آن سلب مالکیت شده، قبول داشته که تقاضای راجع به پرداخت بهای خدمات مشاوره‌ای به مؤسسه اخیرالذکر، جنبه انتقال و تملیک قطعی بهای مزبور را به آن مؤسسه نداشته بلکه آن تقاضا نوعی اعطای نمایندگی به همان مؤسسه برای وصول بهای خدمات مشاوره‌ای متعلق به مهندس مشاور بوده است. و الا چنانچه تامز تقاضای مذکور را مبنی انتقال و تملیک بهای خدمات به آن مؤسسه می‌دانست، چگونه با وجود انتقال و تملیک مزبور باز خود را ذی‌حق در مطالبه بهای خدمات از سازمان هواپیمائی دانسته و به طرح دعوی علیه آن سازمان مبادرت ورزیده است؟ و نیز چگونه و چرا در دعوی راجع به مطالبه غرامت ناشی از سلب مالکیت از مالک مؤسسه تامز آفا - مهندسین مشاور و معماران، بهای خدمات ادعائی را جزو دارائیهای آن مؤسسه محسوب نداشته و ادعای خود را درخصوص مورد، محدود به مطالبه مبلغ 514.536 دلار نموده است؟

برای تأیید مراتب فوق یادآوری می‌کنیم که آقای «جان ا. رودی» وکیل تامز در تاریخ 30 ژوئن 1982 ضمن لایحه جواب مدعی به دفاعیه و ادعاهای متقابل خواندگان، صراحتاً چنین اعلام نموده است: تامز کاملاً مستحق دریافت سهم مالکیت خود در تامز آفا است، یعنی مبلغ 514.536 دلار.

و علی‌هذا مسلم است که مدعی (تامز) هرگز بهای خدمات مورد بحث را جزو مایملک مؤسسه تامز آفا - مهندسین مشاور و معماران تلقی ننموده است.

ب. مؤسسه تامز آفا - مهندسین مشاور و معماران هم با طرح دعوی تقابل و استناد به ترازنامه مورخ بیستم مارس 1980 آن مؤسسه (که از طرف مدیران صلاحیتدار مربوطه تهیه شده و در آن ترازنامه، وجوهی که بابت قرارداد فرودگاه قابل وصول بوده از دارائی مؤسسه خارج گردیده و نشان داده می‌شود که در تاریخ تنظیم ترازنامه، دیون مؤسسه مبلغ 36.118.855 دلار بیش از دارائیهای آن بوده است) و ادعای منفی بودن ارزش آن، و عدم احتساب بهای خدمات

مورد بحث در جزو دارائیهایی مؤسسه مزبور، قبول داشته که تقاضای تامز و آفا در مورد پرداخت بهای خدمات مهندسان مشاور به آن مؤسسه، جنبه تملیک و انتقال نداشته است والا چنانچه آن تقاضا را در زمینه تملیک و انتقال حق تامز و آفا به خود تلقی می‌کرد، لازم بود که بهای خدمات را جزو دارائیهایی مؤسسه محسوب می‌داشت.

با وصف مراتب مذکور در بند الف و ب فوق و توافق عملی طرفین دعوی در این مورد که تقاضا نامه مبنی بر پرداخت بهای خدمات مهندسی مشاور به موسسه تامز آفا - مهندسین مشاور و معماران، در زمینه انتقال و تملیک آن بها به آن مؤسسه تنظیم نشده و نیز توافق عملی طرفین در این خصوص که مطالبات قابل وصول از بابت قرارداد فرودگاه جدید بین‌المللی تهران را جزو دارائی مؤسسه مذکور محسوب نداشته‌اند و باتوجه به اینکه اظهار تامز در این مورد که چنانچه دیوان داور، عدم صلاحیت خود را در رسیدگی به دعوی مطالبه 8.885.589 دلار بابت بهای خدمات از سازمان هواپیمائی

کشور اعلام دارد، در آن صورت باید حسابهای دریافتنی تامز آفا از هواپیمائی کشوری بابت قرارداد فرودگاه نیز جزو ارزش تامز آفا محسوب شود، نمیتوانسته مؤثر در موضوع باشد؛ زیرا صرف صدور قرار عدم صلاحیت دیوان در مورد مذکور نمیتواند موجب تغییر بعدی واقعیت مورد قبول طرفین و تبدیل نمایندگی در وصول بهای خدمات به تملیک آن بها به مدعی گردد، و بالاخره نظر به اینکه عدم قبول بعدی تامز در خصوص آنچه بدواً مورد قبول او بوده است، باتوجه به مسموع نبودن انکار پس از اقرار، قابل توجه و اعتنا نبوده و معلوم نیست صادر کنندگان رأی چگونه قناعت و جدایی پیدا کرده اند که بهای خدمات مورد بحث به مؤسسه مذکور منتقل گردیده و مطالبات قابل وصول از آن بابت، باید جزو دارائی آن مؤسسه محسوب شود. و روشن نیست کدام حقوقدان دارای عقل سلیم معتقد است و یا کدام اصول، قانون و عدالت اجازه میدهد که قاضی یک دعوی، تفسیر همگون طرفین آن دعوی از سندی را که از سوی مدعی برای مدعی علیه تنظیم گردیده است کنار

بگذارد و خود آن را به نحو دیگری تفسیر کند؟

باتوجه به مراتب مزبور آشکار است که موقعیت مؤسسه تامز آفا - مهندسین مشاور و معماران، در برابر تامز و آفا در خصوص بهای خدمات موضوع قرارداد فرودگاه جدید بین‌المللی تهران، موقعیت وکیل است در مقابل موکل، نه موقعیت انتقال‌گیرنده در برابر انتقال‌دهنده.

2. آیا تامز و آفا طلب مسلم و قطعی داشته‌اند؟

همان‌طور که قبلاً متذکر شدیم دیوان داور لاهه، تامز و آفا را معادل 10.159.738 دلار از سازمان هواپیمایی کشوری بابت دستمزد خدمات مهندسی پروژه فرودگاه جدید بین‌المللی تهران طلبکار دانسته است که چون به زعم دیوان داور، آن طلب به مؤسسه تامز آفا - مهندسین مشاور و معماران انتقال یافته و دولت ایران موجب محرومیت تامز از حقوق مالکانه خویش در آن مؤسسه شده است، لذا دیوان داور، دولت ایران را محکوم به پرداخت نیمی از آن مبلغ (به اضافه

514.536 دلار خواسته اولیه مدعي) به تامز کرده است.

در اینجا به این بررسی می پردازیم که آیا واقعاً طلب قطعی و مسلمی وجود داشته است که بفرض صحت ادعای مصادره و با فرض صحت تبدیل تعهد (اقدام متعهدله در انتقال ما فی الذمه متعهد به غیر)، دیوان داورى بتواند به صدور چنان حکمی مبادرت ورزد؟

ا حراز قطعیت وجود طلب مورد بحث، علی القاعده جز از طرق زیر برای دیوان داورى مقدور نبوده است:

1. وجود سند رسمی معتبر و یا سند عادی مصون از اعتراض، مشعر بر وجود دین به میزان مبلغ مورد نظر دیوان داورى.

2. اقرار بدهکار در محضر دیوان داورى.

3. وجود حکم قطعی مسبوق به رسیدگی های قبلی در يك مرجع قضائی که اعتبار امر مختوم یافته باشد.

4. رسیدگی دیوان داورى در خصوص مورد.

محتویات پرونده دادرسی در دیوان داوری
لايه نشان مي‌دهد که:

الف. «تامز» به هیچ سند رسمي معتبر
و يا سند عادي مصون از اعتراض، در خصوص
دستمزد خدمات مورد ادعا که مشعر بر
وجود طلب به میزان مبلغ مورد رأی دیوان
داوری باشد، استناد نکرده و برای اثبات
حقانیت خود در مورد مطالبه دستمزد
خدمات فقط به قرارداد فرودگاه جدید
بین‌المللی تهران استناد کرده که
قرارداد مذکور فی‌حد ذاته و بدون
رسیدگی‌های قضائی در این زمینه که تامز
تا چه حد تعهدات قراردادی خود را انجام
داده و تعهدات مزبور تا چه حد با شرایط
مقرر در قرارداد منطبق بوده و دستمزد
آن قسمت از تعهدات انجام شده به نرخهای
مقرر در قرارداد تا چه حد می‌شود،
اشعاری بر وجود طلب به میزان مبلغ مورد
حکم دیوان داوری نداشته و ندارد.

ب. سازمان هواپیمائی کشوری نه تنها
در خصوص مورد، اقراری در محضر دیوان
داوری ننموده، بلکه ضمن مدافعات معموله
بکلی منکر امر شده و حتی با تقدیم

دادخواست متقابل، مدعی طلب از تامز و آفا به مبلغ هنگفتی گردیده است. ج. به هیچ سابقه رسیدگی قبلی قضائی درخصوص مورد و به هیچ حکم قطعی واجد اعتبار امر مختوم استناد نشده است تا وجود طلب به میزان مبلغ مورد رأی دیوان داور، اعتبار قضیه مختوم بها یافته باشد.

پس برای دیوان داور فقط يك راه وجود داشته تا بتواند وجود طلب مورد بحث را احراز نماید و آن راه این بوده است که خود، رأساً بر مبنای قرارداد فرودگاه جدید بین‌المللی تهران، ادعای تامز را مورد رسیدگی قرار دهد. این همان راهی بوده که دیوان داور انتخاب کرده و به ادعای مدعی رأساً رسیدگی نموده است؛ منتهی انتخاب مزبور برخلاف اصول و رسیدگی به ادعای ناقص و غیرعادلانه بوده و دیوان داور با چنان رسیدگی، دچار تناقض در اظهار عقیده و عمل شده است که ذیلاً بشرح آن می‌پردازیم:

الف. رسیدگی برخلاف اصول

ر رسیدگی دیوان داوری در خصوص مورد، برخلاف اصول بوده است؛ زیرا آن دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعای طلب در خصوص بهای خدمات مهندسان مشاور طرح فرودگاه جدید بین‌المللی تهران را نداشته است؛ چرا که در قرارداد مربوط به طرح مزبور، رسیدگی به هرگونه ادعای ناشی از آن قرارداد، مشخصاً در صلاحیت انحصاری دادگاه‌های صالحه ایران قرار داده شده است.²⁵ به همین جهت دیوان داوری ایران - ایالات متحده آمریکا در لاهه به استناد قسمت اخیر بند اول ماده دوم بیانیه حل و فصل دعاوی²⁶ صلاحیت رسیدگی به ادعای مزبور را نداشته و خود دیوان داوری هم در قسمت اول رأی مورد بحث در این مقاله - بطوریکه متذکر شدیم - به عدم صلاحیت خود در خصوص مورد معتقد بوده و قرار ردّ ادعای نخست مدعی در مورد مطالبه 8.885.589 دلار بابت دستمزد خدمات، اعم از صورت حساب شده و پرداخت نشده یا صورت حساب نشده را صادر و اعلام کرده است. ساده‌تر بگوئیم، رسیدگی دیوان داوری

25. رجوع کنید به پانویس شماره 2.

26. رجوع کنید به پانویس شماره 11.

نسبت به امري که قبلاً عدم صلاحيت خود را در آن خصوص اعلام داشته و برخلاف اصول حقوقي بوده است.

شاید اين براي نخستين بار در تاريخ قضائي دنيا باشد که يك مرجع قضائي در يك مورد خاص، به استناد عدم صلاحيت، ادعای مدعي را رد نموده ولي در همان مورد با تغيير عنوان، رسيدگي ماهيتي شده و به صدور حکم ماهوي مبادرت کرده است! مگر ميشود صلاحيت هم باشد و هم نباشد؟ صلاحيت يا هست يا نيست، و شق سومي هم وجود ندارد.

ظاهراً ديوان داوري خود نيز به اين مطلب واقف بوده زيرا با اعلام اين مطلب در حکم صادره که: «اين نکته بايد بروشني درک شود که اين حکم در مورد حقوق و تعهدات طرفين قرارداد فرودگاه بين المللي يا ... قضاوت نميکند. بدین ترتيب، ديوان در تعيين دقيقترين برآورد از ارزش خالص تامز آفا راجع به مسائلي که خارج از صلاحيتش ميشود تصميم نميگيرد». خواسته است در برار انتقاد مقدر از حکم ديوان داوري، قبلاً دفاعي کرده باشد. ولي عباراتي از اين قبيل

نمی‌تواند تعارض آشکار و بیّن در نحوه رسیدگی و انشای رأی دیوان را منتفی نماید. ما نمی‌توانیم در حالتی که آثار رسیدگی به حقوق و تعهدات طرفین قرارداد فرودگاه جدید بین‌المللی تهران را در حکم دیوان داورى مشاهده می‌کنیم، قول صادر کنندگان آن را در این خصوص که «این حکم در مورد حقوق و تعهدات طرفین قرارداد فرودگاه بین‌المللی ... قضاوت نمی‌کند»، باور و قبول داشته باشیم.

واقعیت این است که با وجود اعلام آن نکته، دیوان داورى به بهانه «نادیده گرفتن کامل دارئیهائی مانند حسابهای دریافتنی بموجب قرارداد فرودگاه بین‌المللی ... با اینکه قضاوت درباره اختلافات مربوط به آن دارئیهها از حیطة صلاحیت دیوان خارج است، منصفانه و منطقاً قابل دفاع نیست»، وارد رسیدگی و قضاوت در خصوص مورد شده است. بطورکامل ساده شده، در واقع دیوان داورى می‌خواهد بگوید: «گرچه صلاحیت رسیدگی به اختلافات مربوط به دستمزد خدمات فرودگاه بین‌المللی را نداریم اما نادیده گرفتن آن دستمزدها را هم منصفانه و منطقی

نمی‌دانیم؛ پس به موضوع رسیدگی می‌کنیم!»!
و این بدان معنی است که صلاحیت هم نیست
و هم هست!

دیوان داوری ظاهراً با این استدلال
که «اگر هواپیمائی کشوری صورت حسابهای
تسلیمی تامز آفا را پرداخت کرده بود و
این وجوه، قسمتی از حسابهای توزیع نشده
تامز آفا می‌بود، در آن صورت مسلماً جزئی
از ارزش تامز آفا بعد از تصفیه محسوب
می‌شد»، می‌خواهد بگوید همان‌طور که در
فرض پرداخت وجوه صورت حسابها از طرف
سازمان هواپیمائی کشوری، بدون نیاز به
هیچ رسیدگی قضائی درخصوص استحقاق یا
عدم استحقاق تامز درخصوص بهای خدمات
مربوط به آن صورت حسابها، وجوه پرداخت
شده می‌بایست جزو ارزش تامز آفا محسوب
می‌شد، حالا هم احتساب وجوه صورت حسابهای
پرداخت نشده در جزو دارائی مؤسسه تامز
آفا، نیازی به رسیدگی قضائی درخصوص
استحقاق یا عدم استحقاق تامز در مورد
بهای خدمات مربوط به آن صورت حسابها
ندارد، و بدین ترتیب با احتساب مزبور،
دیوان داوری وارد رسیدگی به امری که در
صلاحیت آن نبوده، نشده است.

چنانچه صادرکنندگان رأی این مطلب را درك نفرموده باشند، موجب کمال تعجب است؛ زیرا نه تنها هر حقوقدان، بلکه هر دانشجوي دانشکده حقوق و هرکس که عقل سلیم متوسطی داشته باشد و بخواهد در این باب اظهار نظر کند، این مطلب را میفهمد که اگر سازمان هواپیمائی کشوری صورت حسابهای تسلیمی تامز آفا را پرداخت کرده بود، این بدان معنی بود که بین متعهد متعهدلهم قرارداد فرودگاه جدید بینالمللی تهران (سازمان هواپیمائی کشوری و تامز و آفا) در مورد صورت حسابهای تسلیمی، هیچ اختلافی که نیازی به رسیدگی قضائی داشته باشد، وجود نداشت. ضمناً اگر وجوه پرداخت شده آن صورت حسابها قسمتی از حسابهای توزیع نشده تامز آفا میبود، در آن صورت آن وجوه جزو حسابهای مربوط به دارائی تامز آفا باقی و موجود میماند و تامز با احتساب آن وجوه دارائیهای مؤسسه تامز آفا - مهندسین مشاور و معماران، به جای تقدیم دادخواست به خواسته 536 و 514 دلار، دادخواستی به خواسته بیشتر (معدل

نیمي از دارائيهاي موجود آن مؤسسه) به دیوان داورى تقديم مي‌داشت.

اما در شرایط خاصی که وجوه صورت حسابهاي تسليمي تامز آفا پرداخت نشده و با وجود تقديم دادخواست درخصوص مورد، سازمان هواپیمائي كشوري منكر اشتغال ذمه خود گردیده و از پرداخت وجه آن صورتحسابها امتناع کرده، مضافاً به اینکه طبق دادخواست تقابل، خود را مدعي اصلي طلبکار هم مي‌دانسته است، آیا باز هم مي‌توان گفت که بين متعهد و متعذله قرارداد فرودگاه بين‌المللي اختلافي که نیاز به رسیدگی قضائي داشته باشد، وجود نداشته است؟ و آیا احتساب وجوه صورتحسابهاي مزبور (که سازمان هواپیمائي كشوري خود را بدهکار آن نمي‌داند)، در جزء دارائي مؤسسه تامز آقا- مهندسین مشاور و معماران، قبل از يك رسیدگی ماهوي درباره اصل استحقاق مدعي مقدور بوده است؟

دیوان داورى با صدور حکم مورد بحث در حقیقت عملاً به اصل استحقاق مزبور رسیدگی کرده اما ظاهراً اصرار دارد بگوید که چنان رسیدگی را معمول نداشته است!

دیوان برای اینکه به این تناقض در اظهار و عمل خود رنگ و جلوه خاصی از

هماهنگی ببخشد و آن را ناشی از علاقه
مفرط خویش در توجّه به اصل حقوقی «هیچ کس
نباید مجاز باشد که از عمل خلاف خود
تحصیل سود کند» بدانند، چنین استدلال
کرده است:

... اگر پرداختهای مربوط به کار در
پروژه فرودگاه بین‌المللی من غیر حق
توسط یک سازمان دولت جمهوری اسلامی
ایران ضبط شده باشد و دیوان نیز آن
وجوه را به دلیل عدم پرداخت در ارزش
بعد از تصفیه تامز آفا منظور نکند،
در آن صورت مؤسسه خواننده از عمل خلاف
خود منتفع می‌شود!

این استدلال درست است؛ اما بحث در
این است که دیوان داور در چه موقع
می‌توانسته بگوید که سازمان هواپیمایی
کشوری پرداختهای مربوط به کار در پروژه
فرودگاه بین‌المللی را «من غیر حق» ضبط
کرده است؟: وقتی که در ماهیت موضوع،
یعنی در امر استحقاق یا عدم استحقاق
مهندس مشاور در مطالبه بهای خدمات صورت
حساب شده، و نیز استحقاق یا عدم
استحقاق سازمان هواپیمایی کشوری در ضبط
وجوه قابل پرداخت، در یک مرجع قضایی

قبلاً، یا در دیوان داوری رأساً، رسیدگی قضائی انجام یافته باشد.

اگر اینچنین رسیدگی قبلاً در مرجع صالحه بعمل نیامده باشد - که نیامده است - و اگر دیوان داوری آنطور که خودگفته، برای رسیدگی به آن موضوع فاقد صلاحیت بوده و به همین جهت در آن خصوص قضاوت نکرده، پس چگونه آن دیوان توانسته است ضبط پرداخت های مذکور را «من غیر حق» بداند و عمل سازمان هواپیمایی کشوری در ضبط آن پرداختها را «عملی خلاف» بخواند؟

جالب است که دیوان داوری عدم پرداخت وجه کلیه صورتحسابهای تسلیم شده به سازمان هواپیمایی کشوری را «من غیر حق» نمی داند و چنین استدلال می کند:

... برای دیوان به همان اندازه غیرمنصفانه و منطقاً غیرقابل دفاع است که فرض کند کلیه پرداختهای مربوط به پروژه فرودگاه بین المللی که حسب اظهار خواهان من غیر حق نگاه داشته شده، واقعاً نیز من غیر حق نگاه داشته شده باشد.

بنابراین، صرف خودداری سازمان هواپیمائی کشوری از پرداختهای مربوط به دستمزد خدمات پروژة فرودگاه بین‌المللی، نمیتواند دلیل این امر محسوب شود که پرداختها «من غیر حق» نگاه داشته شده است. یک رسیدگی دقیق لازم بوده تا معلوم شود که از عدم پرداخت صورت حسابهای تسلیم شده به سازمان هواپیمائی کشوری، کدام قسمت «من غیر حق» و کدام قسمت من باب حق بوده است! این رسیدگی، کاری بوده که دیوان داوران انجام داده (البته نه بطور کامل و نه آنچنان بدقت که ضرورت داشته است)؛ ولی در صلاحیت آن دیوان نبوده و دیوان داوران هم چون این مطلب را میدانسته و قبلاً هم اعلام نموده بوده، اصرار دارد که بگوید آن کار را انجام نداده است!

علاوه بر مطالب مذکور برای اینکه اطمینان حاصل شود که دیوان داوران درست همان دعوائی را که به لحاظ عدم صلاحیت خود رد کرده، بصورت دیگری مورد رسیدگی و لحوق حکم ماهوی قرار داده است، بجا است یادآور شویم که قسمت اول دعای مطروحه از طرف مدعی (تامز) مربوط به

مطالبه 8.885.589 دلار از سازمان هواپیمائی کشوری بابت بهای خدمات پروژه فرودگاه بین‌المللی و قسمت دوم دعوی او مربوط به مطالبه 514.536 دلار از دولت ایران بابت پنجاه درصد ارزش مؤسسه تامز آفا - مهندسين مشاور و معماران، بعثت مصادرة ادعائي آن مؤسسه از طرف دولت ایران بوده است. وکیل مدعی در توضیح و تشریح دعوی خواهان، با شرح منعکس در صفحه هشتم نسخه فارسی «یادداشت وکیل مدعی در پاسخ دستور مورخ 28 نوامبر 1982 دیوان داوری» که در تاریخ بیست و هشتم فوریه 1983 (نهم اسفندماه 1361) در دفتر دیوان به ثبت رسیده، چنین نوشته است:

قسمت اول مرکب است از سهم تامز در مبالغ بدهی صورت حساب شده و صورت حساب نشده قرارداد و مبالغ کسر شده توسط C.A.O.²⁷ از صورت حسابهای پرداخت شده. این ادعای تامز علیه C.A.O و I.A.F²⁸ است که دریافت کننده خدمات انجام شده قرارداد بوده‌اند. قسمت دوم مرکب است از باقیمانده حسابهای دریافتنی و

27. CIVIL AVIATION ORGANIZATION سازمان هواپیمائی کشوری.

28. IRANIAN AIR FORCE نیروی هوایی ایران.

توزیع نشده تامز آفا. این قسمت علیه دولت اسلامی است؛ زیرا تامز آفا را ضبط نموده است.

و کمی پائین‌تر اضافه کرده است:

تامز ادعای خود را به این شکل عرضه نمود تا شاید پیچیدگی شرایط مربوط به طرفین متعدد به صورت ساده‌تر بیان شود. البته از شکل‌های دیگر نیز می‌شد استفاده نمود؛ مثلاً تامز می‌توانست به جای جدا بودن قسمت اول و دوم، آنها را با هم ذکر کند. بنابراین به جای ادعا در مورد سهم خود از بابت مبالغ صورت حساب شده و صورت حساب نشده و مبالغ کسر شده (قسمت اول) علیه C.A.O. و I.A.F. و مجزا نمودن این مبلغ از مبلغ حسابها توزیع نشده تامز آفا، تامز می‌توانست این مبلغ را جزو حسابهای دریافتنی تامز آفا قرار دهد. تنها نتیجه عملی از چنین روشی این بود که دیگر C.A.O. و I.A.F. مدعی علیه نبودند و در نتیجه ادعای تامز علیه دولت اسلامی (قسمت دوم) معادل مبلغ مورد ادعا در قسمت اول افزایش می‌یافت.

نقدی بر یکی از آرای... ❖ 209

و نیز در صفحه نهم نسخه فارسی همان یادداشت چنین نوشته است:

بطور خلاصه هیچ تفاوتی نمی‌کند که آن دیوان تصمیم بگیرد تامز سهم خود در مورد بهای خدمات انجام شده طبق قرارداد را طی حکمی علیه C.A.O و I.A.F دریافت نماید یا طی حکمی علیه دولت اسلامی به علت ضبط تامز آفا. مسئله مهم این است که تامز باید بهای خدمات خود را دریافت نماید و مبلغ آن نیز باید بر مبنای مدارک عرضه شده تعیین گردد که این امر جزو وظایف اصلی آن دیوان است.

اگر توضیحات مذکور را با آنچه وکیل مدعی در صفحه چهاردهم نسخه فارسی همان یادداشت نوشته است جمع‌بندی کنیم، کاملاً روشن می‌شود که تامز فقط بهای خدمات خود در پروژة فرودگاه بین‌المللی را مطالبه کرده و مسئله مهم برای آن دریافت بهای همان خدمات بوده که تقاضای تعیین مبلغ آن را بر مبنای مدارک عرضه شده داشته است. و دیوان داوری در حالیکه در مورد 8.885.589 دلار از خواسته، از یک طرف عدم

صلاحیت خود را در رسیدگی به موضوع، یعنی تشخیص استحقاق و تعیین مبلغ استحقاقی مدعی اعلام داشته، از طرف دیگر به همان موضوع رسیدگی کرده است؛ یعنی استحقاق مدعی را تشخیص داده و مبلغ استحقاقی او را تعیین کرده و آن مبلغ را جزو مطالبات و دارائی مؤسسه تامز آفا - مهندسين مشاور و معماران، قرار داده است. توضیحات وکیل مدعی از این قرار است.:

اگر آن دیوان دارای صلاحیت رسیدگی به ادعای تامز در مورد سهم او بابت خدمات انجام شده و مبلغ کسر شده تحت قرارداد را داشته باشد، حکم در مورد این مبلغ علیه C.A.O و I.A.F خواهد بود. در غیر اینصورت چنین مبلغی جزو حسابهای دریافتنی تامز آفا خواهد گردید و حکم علیه جمهوری اسلامی ایران بابت سهم تامز آفا باید به همین نسبت افزایش یابد.

جالب توجه است با اینکه خواسته خواهان در دو قسمت مزبور 9.300.125 دلار بوده است (مجموع ارقام 8.885.589 دلار و

نقدی بر یکی از آرای... ❖ 211

514.536 دلار) اما دیوان داوری در آن دو قسمت، بخشی از دعوی خواهان را به مبلغ 8.885.589 دلار منتهی به صدور قرار رد دعوی و بخشی دیگر از آن را به مبلغ 5.594.405 دلار منتهی به صدور حکم محکومیت کرده است، و بدین ترتیب رأی دیوان داوری - اعم از حکم و قرار - در مورد 14.479.984 دلار صادر شده در حالیکه اساساً خواسته مدعی در آن دو قسمت 9.300.125 دلار بوده است! و این نیست جز حاصل یک رسیدگی برخلاف اصول.

ب. نقص رسیدگی

با اینکه خواسته مدعی در دعوی مطروحه علیه دولت ایران از جهت مصادره ادعائی مؤسسه تامز آفا - مهندسین مشاور و معماران، مبلغ 514.536 دلار بابت نیمی از دارائیهای موجود آن مؤسسه در تاریخ مصادره ادعائی بوده است، اما دیوان داوری بموجب حکم مورد بحث، دولت ایران را به پرداخت 5.594.405 دلار بابت اصل خواسته از جهت مذکور، محکوم کرده که مابیه التفاوت آن دو رقم 5.079.896 دلار است. این مابه التفاوت مبلغی است که بنا

بر رأی دیوان داور، مؤسسه تامز آفا - مهندسين مشاور و معماران به قائم مقامی از تامز (بابت حق الزحمه مقرر در قرارداد فرودگاه جدید بین المللی تهران) استحقاق وصول آن را از سازمان هواپیمائی کشوری داشته است، و چون وجه مزبور از طرف این سازمان به آن مؤسسه پرداخت نشده، جزو مطالبات (یا به عبارت مندرجه در حکم، جزو حسابهای دریافتنی) مؤسسه مذکور بوده است و در نتیجه میبایست در حساب دارائیهای آن محسوب گردد و چون بزعم دیوان داور، دولت ایران آن مؤسسه را مصادره کرده لذا مبلغ مزبور جزو محکوم به قرار گرفته است.

فرض می‌کنیم که نظرات دیوان داور در مورد انتقال قطعی حقوق مربوط به حق الزحمه معینه در قرارداد فرودگاه، از طرف تامز به مؤسسه تامز آفا - مهندسين مشاور و معماران، و همچنین ادعای مصادره آن مؤسسه از طرف دولت ایران کاملاً صحیح و غیرقابل ایراد باشد، با وصف فرض مزبور دیوان داور به چه ترتیب بدهی 5.079.896 دلاری سازمان هواپیمائی

کشوری بابت حق‌الزحمه را احراز کرده و این رقم را از کجا به دست آورده است؟ اگر در قرارداد فرودگاه، کل حق‌الزحمه مهندس مشاور (تامز و آفا) با رقمی منجز و مشخص تعیین گردیده بود، اگر در متن آن قرارداد به میزان سهم تامز از رقم کل حق‌الزحمه تصریح شده بود، اگر تمام خدمات مورد نظر در قرارداد از طرف مهندس مشاور اجرا و به پایان رسیده بود و بالاخره اگر بین طرفین قرارداد فرودگاه در مورد نحوه اجرای خدمات و تطبیق آن با شرایط مصرحه در قرارداد هیچ‌گونه اختلافی وجود نمی‌داشت، آنگاه احراز میزان بدهی سازمان هواپیمائی کشوری یا عدم بدهی آن، برای هر قاضی یا داور مأمور رسیدگی به دعوی، بدون نیاز به هیچ تشریفات خاص، ساده و آسان بود؛ اما مکانیسم پیش‌بینی شده در قرارداد فرودگاه برای حق‌الزحمه مهندس مشاور به ترتیب و به نحوی بوده است که برای هیچ قاضی یا داور، امکان اینکه بدون ارجاع امر به کارشناس و انجام تشریفات مربوطه و کسب نظر کارشناس مورد انتخاب و اتکای به آن

نظر بتواند دستمزد استحقاقی مهندس مشاور را تعیین کند، و چون نداشته و ندارد، خاصه اینکه درخصوص مورد، درباره نحوه اجرای کار و همچنین درصد انجام کار، بین طرفین قرارداد اختلاف بوده است.

طبق توضیحات مشروح مندرجه در ضمیمه «الف» قرارداد فرودگاه جدید بین‌المللی تهران، خدماتی که برای اجرای پروژه آن فرودگاه ضرورت داشته و انجام آن به عهده مهندس مشاور (تامز و آفا) محول گردیده مشتمل بر هفت بخش عمده (که بخش اول آن نیز خود به دو قسمت تفکیک شده) بشرح زیر بوده است:

بخش يك	طرح جامع
بخش يك - الف	آزمایش خاک و برنامه آزمایش
بخش دو	طرح مقدماتی
بخش سه	طرح تفصیلی
بخش چهار	نظارت بر ساختمان
بخش پنج	مدیریت پروژه
بخش شش	نظارت بر مشاوران جزء
بخش هفت	تهیه جدولهای سازمانی و برنامه کارآموزی

بموجب ماده هشتم قرارداد فرودگاه، دستمزد خدمات مهندس مشاور برطبق ضوابط مندرج در ضمیمه «ب» قرارداد، که نسخه فارسی آن بالغ بر 13 صفحه مفصل به اضافه جدول مربوط به درصدهای اساسی حق الزحمه و نیز جدول پرداختهای دوازده ماهه اول پروژه بوده، تعیین گردیده است.

در ضمیمه «ب» قرارداد جز برای خدمات مربوط به یک قسمت از بخش اول (طرح جامع) که طبق بند یک قسمت الف ماده آن ضمیمه بطور مقطوع یکصد و هشتاد میلیون ریال حق الزحمه تعیین شده، برای سایر بخشهای خدمات به هیچوجه مبلغ منجز و معینی بعنوان حق الزحمه تعیین نگردیده است.

طبق بند دو قسمت الف ماده اول ضمیمه «ب» قرارداد²⁹ حق الزحمه مشاور

29. «بند 2 قسمت الف ماده اول (قسمت دوم، طرح مقدماتی - قسمت سوم، طرح اجرایی - قسمت چهارم، نظارت بر عملیات ساختمانی - قسمت پنجم، مدیریت پروژه) حق الزحمه مهندس مشاور برای هر یک از چهار قسمت فوق معادل درصدی از هزینه تمام شده عملیات ساختمانی است که در بند ب همین ماده طریق احتساب آن تعریف شده است. درصدهای مزبور در جدول پیوست (که ذیلاً جدول درصدهای اساسی حق الزحمه خوانده می‌شود)، در ذیل ستون مربوط به هر قسمت نشان داده شده است.

برای هر یک از بخشهای دوم و سوم و چهارم و پنجم خدمات، معادل درصدی از هزینه تمام شده عملیات ساختمانی مربوطه بوده که طریقه احتساب آنها، به نحو خاصی تعریف گردیده است. برای تعیین هزینه تمام شده عملیات ساختمانی هم در بند یک قسمت ب همان ماده ترتیب خاصی داده شده است.³⁰ مضافاً به اینکه به منظور

الف. درصدهای مندرج در ذیل قسمتهای دوم و سوم و چهارم به هزینه تمام شده عملیات ساختمانی آن بخش از پروژه تعلق می‌گیرد که مهندس مشاور رأساً خدمات مربوط به آن را برعهده دارد و تحت عنوان سری اول جدول عمومی اجزای پروژه، در ضمیمه الف مندرج است.

ب. درصدهای مندرج در ذیل ستون مربوط به قسمت پنجم، به هزینه تمام شده کلیه عملیات ساختمانی پروژه اعم از آنچه مهندس مشاور رأساً خدمات مربوط به آن را برعهده دارد و یا توسط مشاورین جزء انجام خواهد شد، تعلق می‌گیرد.

ج - حق الزحمه درصدی مندرج در ذیل قسمت چهارم شامل آن جزء از خدمات این قسمت که مربوط به تأسیس آزمایشگاه نمونه‌برداری و آزمایش مصالح و ماشین آلات و بطور کلی کنترل کیفیت کار می‌باشد، نیست و مبلغ حق الزحمه و نحوه عمل درمورد این خدمات مانند خدمات قسمت مربوطه می‌باشد».

30. «ب» هزینه تمام شده عملیات ساختمانی:

1. هزینه تمام شده عملیات ساختمانی براساس هزینه‌های زیر محاسبه می‌گردد:

الف. کلیه صورت وضعیتهای پرداختی به پیمانکاران قبل از کسر کسور قانونی و هرگونه مبالغی که بعنوان جریمه یا خسارت از صورت وضعیت پیمانکار کسر گردد.

ب. هرگونه هزینه پرداخت شده بابت مصالح و لوازم و تأسیسات و ماشین آلات که از طرف کارفرما برای نصب در پروژه تأمین می‌گردد.

نقدی بر یکی از آرای... ❖ 217

جلوگيري از هرگونه تفسير غلط در مورد هزینه تمام شده، در بند دو قسمت ب ماده مذکور اقليمي که جزو هزینه هاي تمام شده عمليات ساختماني محسوب نخواهد شد، به تفصيل و در هشت قسمت طبقه بندي و ذکر شده است.

طبق بند چهار قسمت الف ماده اول ضميمه «ب» قرارداد، حق الزحمه خدمات موضوع بخش ششم (نظارت بر مشاوران جزء) معادل هفت دهم هزینه تمام شده عمليات ساختماني که خدمات مربوط به آن را مشاوران جزء برعهده دارند (مندرج در سري دوم جدول عمومي اجزاي پروژه، در ضميمه «الف» قرارداد)، تعيين گردیده است.

چون در هنگام انعقاد قرارداد فرودگاه، تعيين حدود خدماتي که بايد در بخش هفتم خدمات (تهيه جدولهاي سازماني

ج. برآورد معقول از کليه هزینه هاي مربوط به دستمزدها و مصالح و استهلاك لوازم و ماشين آلات متعلق به کارفرما و هزینه هاي مربوط به بهره برداري از لوازم و ماشين آلات در مواردی که اينگونه دستمزدها و مصالح و لوازم و ماشين آلات براي انجام عمليات ساختماني پروژه به مصرف رسيده اند به پيشنهاد مهندس مشاور و تصويب کارفرما. تبصره. حق الزحمه هاي درصدي موضوع اين قرارداد شامل موارد ادعاهاي پیمانکاران نمی باشد».

و خدمات کارآموزی) از طرف مهندس مشاور انجام شود، ممکن نبوده است، لذا طبق بند 5 قسمت الف ماده اول ضمیمه «ب» قرارداد، مقرر شده است که حق الزحمه خدمات بخش مذکور پس از تعیین دقیق حدود خدمات مورد نیاز در این بخش و قبل از شروع خدمات مربوط به آن، به پیشنهاد مهندس مشاور و تصویب کارفرما تعیین می‌شود.

و بالاخره در مورد نقشه برداری، خاک شناسی و آزمایش (قسمت الف بخش یک خدمات) شامل عکس برداری هوایی، نقشه برداری زمینی، تهیه نقشه‌های میزان منحنی، حفاریها، مطالعات آب شناسی، نمونه برداریها، آزمایشها، مطالعات خاک شناسی و زمین شناسی و نیز در مورد آن جزء از بخش چهارم خدمات (نظارت بر ساختمان) که شامل آزمایش مصالح و ماشین آلات و بطور کلی کنترل کیفیت کار می‌باشد، بشرح منعکس در بند 3 قسمت الف ماده اول ضمیمه «ب» قرارداد، ترتیبات

دیگری برای تعیین حق الزحمه مهندس مشاور داده شده است.³¹

برای تعیین حق الزحمه مهندس مشاور، علاوه بر پیچیدگی مکانیسم پیش‌بینی شده در قرارداد فرودگاه، دو اشکال اساسی دیگر هم وجود داشته که برای رفع آنها جز ارجاع امر به کارشناس، راه دیگری وجود نداشته است:

اول: ناتمام ماندن خدمات پروژه فرودگاه و توقف ناگهانی کار

اگر مهندس مشاور در تمامی بخش‌های طرح فرودگاه، همه وظایف و خدمات مورد نظر پیش‌بینی شده در قرارداد را انجام داده بود، برای تعیین دستمزد مربوطه

31. «الف. مهندس مشاور در هر مورد حدود کار و مشخصات فنی و برنامه زمانی آن را تهیه نموده و همراه با نام مؤسسه‌ای که برای انجام این کار در نظر گرفته است، به کارفرما پیشنهاد می‌نماید.

ب. سپس مهندس مشاور متن قراردادی را که در نظر دارد بدین منظور با مؤسسه انتخاب شده منعقد نماید، همراه با کلیه شرایط و ضوابط و منضمات و مبلغ قرارداد، برای تصویب به کارفرما ارسال می‌دارد و پس از تصویب کارفرما، اقدام به انعقاد قرارداد خواهد کرد.

ج. کارفرما عین مبالغ موضوع اینگونه قراردادها را بعلاوه 12/5 درصد از بابت هزینه‌های بالا سری و اتخاذ مسئولیت توسط مهندس مشاور، در وجه مهندس مشاور کارسازی خواهد کرد».

مشکلی پیش نمی‌آید؛ اما در وضع فعلی که حسب اعلام طرفین دعوی، پروژه ناتمام مانده و کارها به پایان نرسیده متوقف شده است، تعیین دستمزد آن قسمت از خدمات انجام شده، منوط به آن بوده که در مورد هر یک از اجزای خدمات، درصد کاری که مهندس مشاور انجام داده است قبلاً معلوم گردد. اما در این خصوص اشکال اساسی در این بوده که بین طرفین قرارداد فرودگاه اختلافات عمده‌ای در خصوص مورد وجود داشته است؛ مثلاً حسب اعلام مدعی، کارهای انجام یافته در بخش سوم خدمات 86 درصد، در بخش چهارم 5 درصد و در بخش پنجم 40 درصد کل کار مقرر در قرارداد بوده و حال آنکه حسب اعلام سازمان هواپیمائی کشوری بشرح منعکس در لایحه دفاعیه، کارهای انجام یافته در بخش سوم خدمات 35 درصد، و در بخشهای چهارم و پنجم صفر درصد بوده است.

تردیدی نیست که با و صف مزبور، معاینه محل با جلب نظر کارشناس، امکان تعیین درصد کارهای انجام یافته و در نتیجه تعیین دستمزد مهندس مشاور مقدور نبوده است.

دوم. عدم توافق طرفین در وصف خدمات انجام یافته مندرجات دادخواست مدعی و لایحه دفاعیه سازمان هواپیمائی کشوری و نیز مندرجات دادخواست تقابل آن سازمان نشان می‌دهد که بین طرفین قرارداد فرودگاه در مورد نحوه انجام خدمات توسط مهندس مشاور و به عبارت دیگر در مورد وصف خدمات انجام یافته توافق بوده است. پیمانکار، آن خدمات را کاملاً منطبق با شرایط مقرر در قرارداد دانسته است؛ ولی کارفرما آن خدمات را ناقص و غیرمنطبق با شرایط مذکور می‌داند.

باتوجه به ماده 12 قرارداد فرودگاه³² مسلم می‌گردد که بدون رسیدگی به اختلافات طرفین در مورد وصف خدمات انجام یافته و مشخص کردن نحوه خدمات مزبور - که این امر خود مستلزم معاینه

32. «ماده دوازدهم - دقت و کوشش»

مهندس مشاور باید تعهدات ناشی از این قرارداد را با بکار بردن بهترین روشهای متداول حرفه‌ای در سطح بین‌المللی و با بکار بردن بهترین استانداردهای فنی مورد قبول کارفرما انجام داده و در انجام وظایف ناشی از این قرارداد منتهای مهارت و جدیت و مراقبت را بکار برد».

محل با جلب نظر کارشناس بوده - تعیین حق الزحمه مهندس مشاور مقدور نبوده است. متأسفانه داوران صادر کننده حکم مورد بحث، از توجه به نکات مذکور امتناع کرده و رسیدگی برخلاف صلاحیت خود را هم به نحو کامل انجام نداده اند و از ارجاع امر به کارشناس که درخصوص مورد ضرورت داشته و مورد تقاضا هم بوده و آئین دادرسی دیوان داور³³ هم آن را مجاز می دانسته است، خودداری کرده و بدین ترتیب با یک رسیدگی ناقص به صدور حکم مبادرت ورزیده اند و فقط به این دلخوش داشته اند که در متن حکم متذکر شوند که:

... بر سر واقعیات مرتبط با این اختلافات، از نظر حقوقی استنباطات معارضی ملاحظه می شود. دیوان در چنین شرایطی تنها می تواند یک ارزش گذاری

33. طبق بند 2 ماده سوم بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر درباره حل و فصل دعاوی توسط دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران، آئین دادرسی هیئت داور، همان مقررات داور کمیسیون سازمان ملل متحد درباره حقوق تجارت بین المللی (UNCITRAL) بوده که در مواردی از طرف هیئت داور مورد اصلاح قرار گرفته و ماده 27 اصلاح شده آن مقررات، اجازه ارجاع امر به کارشناس را به داوران داده و تشریفات مربوط به این امر را تعیین کرده است.

بسیار تقریبی از دارائیدها و تعهدات مربوط به دست دهد و در این ارزشگذاری باید نامعلوم بودن نتیجه امر قضاوت قطعی درباره اختلافات توسط يك دادگاه صالح نیز مدنظر قرار گیرد.

معلوم نیست، دیوان داوری چه اصراری داشته است که قبل از معلوم شدن قضاوت قطعی دادگاه صالح در خصوص مورد، با رسیدگی برخلاف صلاحیت و ناقص، و یا يك ارزشگذاری بسیار تقریبی (!) به صدور رأی مبادرت ورزد؟

3. مصادرة ادعائي « مؤسسه تامز آفا - مهندسي مشاور و معماران»

ادعای تامز این بوده که دولت ایران در تاریخ 24 ژوئیه 1979 (دوم مرداد ماه 1358) با تعیین مدیر دولتی برای مؤسسه تامز آفا - مهندسين مشاور و معماران، آن مؤسسه را مصادره کرده و برای اثبات ادعای مذکور به ابلاغی که از طرف وزیر مشاور در امور سازمان برنامه و بودجه،

برای آقای آزاد زرین نژاد صادر شده،³⁴
استناد شده است.³⁵

ادعای مزبور، به نحو عنوان شده،
مورد قبول دیوان داورى قرار نگرفته و
این دیوان بموجب حکم صادره، بعنوان
اینکه خواهان از اول مارس 1980 (دهم
اسفندماه 1358) از منافع مالکانه خود
در مؤسسه مذکور محروم شده است و دولت
ایران به واسطه «اعمال و ترك فعل خود»،
مسئول این محرومیت می باشد، خواهان را
مستحق دریافت غرامت دانسته است.

آشکارا ملاحظه می شود که بین ادعای
مدعی با حکم دیوان در خصوص مورد،
اختلافات عمده ای از جهات زیر وجود دارد:
1. مدعی به «مصادره»³⁶ و دیوان داورى
به «محرومیت»³⁷ تکیه کرده و می دانیم که
فرق آنها در این است که در مصادره،

34. به پانویس شماره 9 مراجعه کنید.

35. در صفحه پنجم گواهی و سوگندنامه آقای «جوزف ال.
اسکاریس» در ذیل ردیف 12 چنین قید است:
«در تاریخ 24 ژوئیه 1979، تامز آفا توسط دولت جمهوری
اسلامی ایران تصرف شد. این کار بوسیله انتصاب یک
نماینده دولتی بعنوان مدیر عامل آفا و سپس تامز آفا
انجام گردید. نسخه هائی از مدرک این تصرف بعنوان مدرک 9
ضمیمه ادعای تامز است.»

36. Taking.

37. Deprivation.

عامل مصادره به قصد استفاده از مال یا بهره‌مند شدن از مزایای آن، در مال غیر مداخله کرده و آن را ضبط می‌کند؛ ولی در ایجاد محرومیت، کافی است عامل محرومیت کنترل خود را بر مال غیر برقرار سازد ولو اینکه منافع هم از آن مال تحصیل نکند و یا اینکه اصولاً قصد کسب آن منافع را هم نداشته باشد.

2. خواهان تاریخ مصادرة ادعائی را 24 ژوئیه 1979 (دوم مرداد ماه 1358) و دیوان داورى تاریخ بدو محرومیت خواهان از حقوق مالکانه‌اش را اول مارس 1980 (دهم اسفندماه 1358) تعیین کرده است.

3. خواهان برای اثبات ادعا به صدور ابلاغ انتصاب آقای آزاد زرین نژاد به سمت مدیر موقت دولتی، استناد کرده است؛ در حالیکه دیوان داورى طبق مندرجات حکم مورد بحث، انتصاب مزبور را فی‌نفسه، اقدامی که خواهان را از اموال خود محروم نموده باشد، تشخیص نداده و دولت ایران را به دلیل اعمال و ترک فعل خود مسئول محرومیت تامز از اموالش دانسته است.

البته استدلال کافی در این زمینه‌ها وجود دارد که:

الف. همان‌طور که از متن ابلاغ آقای آزاد زرین نژاد هم مستفاد می‌شود، تعیین مدیر موقت دولتی از طرف دولت ایران، برای مؤسسه آفا متعلق به آقای عبدالحسین فرمانفرمایان بوده است نه برای مؤسسه تامزآفا - مهندسین مشاور معماران، و نحوه عمل آقای زرین نژاد از تاریخ انتصاب در مؤسسه اخیرالذکر نیز مؤید همان مطلب است و چگونگی صدور آگهی مربوط به آن انتصاب در روزنامه رسمی کشور، نمی‌تواند موجب تغییر در ماهیت آن ابلاغ محسوب شود.

ب. قصد دولت ایران از تعیین آقای آزاد زرین نژاد به سمت مدیر موقت دولتی، باتوجه به مقررات لایحه قانونی «تعیین مدیر یا مدیران موقت برای سرپرستی واحدهای تولیدی و صنعتی و تجاری کشاورزی و خدماتی اعم از بخش عمومی و خصوصی» مصوب خرداد ماه 1358 شورای انقلاب و مخصوصاً مستنبط از ماده اول آن لایحه، مصادره مؤسسه تامزآفا -

نقدی بر یکی از آرای... ❖ 227

مهندسين مشاور و معماران و يا محروميت تامز از حقوق مالکانه اش در آن مؤسسه نبوده و نيز اقدام دولت ايران در صدور ابلاغ براي تعيين مدير موقت دولتي، موجب محروم شدن تامز از حقوق اساسي مالکيت در مؤسسه مزبور نگردیده است؛ کما اينکه ديوان داوري هم صدور آن ابلاغ را في نفسه، اقدامي که خواهان را از اموال خود محروم نموده باشد، تشخيص نداده است.

ج. لايحه قانوني مذکور در بند ب فوق الذکر با لايحه حفاظت و توسعه صنايع ايران مصوب تيرماه 1358 شوراي انقلاب، و حدت موضوعي نداشته و هريك از آنها کاربرد جداگانه اي داشته و دارد. دولت ايران براي محروم کردن خانواده فرمانفرمائيان از حقوق مالکانه آنان در مؤسسات مربوط به صنايع و معادن بزرگ، از مقررات لايحه حفاظت و توسعه صنايع ايران استفاده کرده و اين امر ارتباضي با موضوع تعيين مدير موقت دولتي براي مؤسسه غيرانتفاعي و خدماتي متعلق به آنان نداشته است.

د. آقای آزاد زرین نژاد مدیر موقت دولتی عملاً پس از انتصاب به این سمت، با قبول و اجرای روش دو امضا بودن چکها (امضای نماینده آفا و امضای نماینده تامز) و نیز همکاری با نماینده منصوب از طرف تامز در اداره مؤسسه تامز آفا - مهندسين مشاور و معماران، نشان داده است که در مؤسسه اخیرالذکر بعنوان مدیر موقت دولتی برای سهام آفا فعالیت می‌کرده تا آنجا که دیوان داورى نتوانسته است از اعلام این واقعیت در ضمن رأی مورد بحث خودداری کند که:

در پرونده حاضر، خواهان و مدیرعامل منصوب دولت در تامز آفا در اواسط سال 1979 توانستند با یکدیگر همکاری کافی داشته باشند بطوریکه انتصاب، فی نفسه در مورد حاضر نمی‌تواند اقدامی محسوب شود که خواهان را از اموال خود محروم نموده باشد.

مع ذلك بمنظور کوتاهی سخن، از بیان استدلالهای مورد نظر در زمینه‌های مذکور خودداری می‌شود؛ زیرا به هرحال و در هر صورت، دیوان داورى به موجب حکم صادره

نقدي بريكي از آراي... ❖ 229

نه ادعای خواهان را در مورد مصادرة مؤسسه متعلق به او، در تاریخ دوم مرداد ماه 1358 قبول داشته و نه اقدام دولت ایران در صدور ابلاغ مذکور را اقدامی در زمینه محروم نمودن مدعی از اموالش محسوب داشته است. پس ببینیم دیوان داورى به چه مناسبت و با کدام استدلال، دولت ایران را مسئول محرومیت خواهان از دارئیهایش در مؤسسه تامز آفا - مهندسین مشاور و معماران دانسته است.

دیوان داورى پس از آنکه مدرک مورد ادعای مدعی (ابلاغ آقای زرین نژاد) را فی‌نفسه دلیل محروم کردن خواهان از اموالش تشخیص نداد، در حقیقت هیچ دلیل دیگری برای احراز مسئولیت دولت ایران در خصوص مورد، در اختیار نداشته است؛ زیرا در واقع، در آن خصوص هیچ اقدامی از طرف دولت ایران (جز صدور ابلاغ مزبور که بشرح مذکور، دیوان داورى آن را فی‌نفسه دلیل صحت ادعا تشخیص نداده) معمول نگردیده است.

هرچند دیوان داورى در رأی خود، دولت ایران را بواسطه «اعمال و ترك فعل» خود، مسئول محرومیت تامز از حقوق

مالکانه اش در مؤسسه تامز آفا - مهندسين مشاور و معماران معرفي کرده است، اما در آن رأي به هيچ وجه معلوم نذموده که دولت ايران مشخصاً چه اعمايي را انجام داده و چه افعالي را ترك کرده که نتیجه آن، محروميت تامز از حقوق مذکور بوده است؟

ديوان داوري در ضمن رأي مورد بحث متذکر شده است:

آخرين نماينده تامز در ايران که حق امضا داشت، ظاهراً در دسامبر 1979 ايران را ترك کرد. تامز در چندمين موقعيت در ژانويه و فوريه 1980 نامه ها و تلکسهاي در مورد ارائه کار پروژه فرودگاه بين المللي ارسال داشت، ولي پاسخي دريافت نکرد. تامز آفا کليه مکاتبات با تامز را بعد از دسامبر 1979 قطع کرد و نه در مورد وضع پروژه فرودگاه بين المللي و امور مالي تامز آفا گزارش داد و نه به نامه ها يا تلکسهاي آن پاسخ گفت.

و چون آن ديوان از ذکر امور مزبور چنين نتیجه گرفته است که «خواهان با

محرومیت از منافع مالکانه خود در تامز آفا حداقل از اول مارس 1980 (دهم اسفند ماه 1358) مشمول اقدامات مؤثر بر حقوق مالکیت واقع و دولت ایران بواسطه اعمال و ترك فعل خود مسئول این محرومیت می‌باشد»،

می‌توان اینطور استنتاج کرد که دیوان داور، آن امور را ناشی از «اعمال و ترك فعل» دولت ایران دانسته است؛ اما به چه دلیل؟ معلوم نیست.

اگر نماینده تامز در ایران در دسامبر 1979 ایران را ترك کرده باشد و اگر مقامات مؤسسه تامز آفا - مهندسین مشاور و معماران، در چندمین موقعیت در ژانویه و فوریه 1980 به نامه‌ها و تلکسهای «تامز- پاسخ نداده باشند و اگر مؤسسه مذکور کلیه مکاتبات با تامز را بعد از دسامبر 1979 قطع نموده باشد، این امور چه ارتباطی با دولت ایران داشته است؟

آیا دولت ایران نماینده تامز را از ایران اخراج کرده است؟ آیا قطع مکاتبات تامز و تامز آفا - مهندسین

مشاور و معماران، ناشی از دستور و اقدام دولت ایران بوده است؟ همان‌طور که قبلاً یادآور شدیم دولت ایران در خصوص مورد، هیچ اقدامی جز تعیین یک مدیر موقت دولتی، آنهم برای سهام آفا در مؤسسه تامز آفا - مهندسین مشاور و معماران، معمول نداشته و دیوان داوری هم آن اقدام را فی‌نفسه دلیل محروم شدن خواهان از اموالش تشخیص نداده است و با وصف مزبور چگونه می‌توانیم بدون اتکا به یک دلیل قانع‌کننده، قطع مکاتبات مزبور یا خروج نماینده تامز از ایران را ناشی از اقدامات دولت ایران بدانیم،

اصولاً دیوان داوری می‌بایست رأی خود را در این زمینه مدلل می‌کرد که مفاد مکاتبات قطع شده و نامه‌ها و تلکسهای بدون پاسخ مانده چه بوده که قطع آنها یا عدم اقدام به پاسخ بموقع برای آنها را یک اقدام مؤثر در تضییع حقوق مالکانه مدعی تلقی نموده است؟ و نیز می‌بایست روشن می‌نمود که خروج نماینده تامز از ایران به چه علت بوده و آن علت چه ارتباطی با دولت ایران داشته و چرا

می‌بایست آثار ناشی از خروج اختیاری
نماینده تامز از ایران را برعهده دولت
ایران گذاشت؟

اساساً وقتی واقعیت مورد قبول دیوان
داوری این بوده که «کار پروژه فرودگاه
بین‌المللی در دسامبر 1978 و ژانویه 1979
(دی - بهمن ماه 1357) تقریباً بطور کامل
متوقف گردیده» و مهندسان مشاور ایرانی
و امریکائی مربوطه ایران را ترک کردند،
دیگر در ژانویه و فوریه 1980 وجود چه
کاری در مورد پروژه فرودگاه قابل تصور
بوده است که اگر تامز در چندمین موقعیت
در ژانویه و فوریه 1980 نامه‌ها و
تلکسهای در مورد ارائه کار پروژه
فرودگاه بین‌المللی ارسال داشته و پاسخی
دریافت نکرده باشد، و یا گزارشی در
مورد وضع پروژه فرودگاه بین‌المللی، برای
«تامز» تهیه نشده باشد، بتوان آن امر
را دلیل محروم شدن تامز از حقوق اساسی
مربوط به مالکیتش در مؤسسه تامز آفا -
مهندسين مشاور و معماران محسوب داشت؟
آیا در خصوص مورد، فرضاً نمی‌توان
تصور کرد که مدیر موقت دولتی، پس از
خروج اختیاری نماینده تامز از ایران،

خود را مجاز نمی‌دانسته است تا به‌تنهایی و بدون دخالت نماینده تامز درمورد پاسخ نامه‌ها و تلکسهای مورد نظر دیوان داوری اقدام نماید و در چنان فرضی آیا می‌توان عدم اقدام به پاسخ را دلیل محرومیت تامز از حقوق مالکانه اش دانست؟

دیوان داوری در بیان تغییر روش همکاری بین مدیر موقت دولتی و نماینده تامز به روش عدم همکاری، اشاره‌ای هم به بحران روابط ایران و امریکا کرده (شاید به قصد ایجاد توهم تفسیر اوضاع و احوال در خصوص مورد) و چنین اعلام داشته است: ... بحران روابط بین ایالات متحده و ایران که در نوامبر 1979 بوجود آمد، این روند را معکوس نمود. آخرین نماینده تامز که حق امضا داشت ظاهراً در دسامبر 1979 ایران را ترک کرد.

در حالیکه بحران بوجود آمده، همان‌طور که در رأی هیئت داوری هم ذکر شده، مربوط به روابط دو دولت ایران و امریکا بوده و هیچ ارتباطی با مؤسسه تامز آفا - مهندسین مشاور و معماران که یک مؤسسه ایرانی است، نداشته است. و

حتي اگر به فرض محال دامنة آن بحران به مؤسسه مزبور نیز کشیده شده باشد، هیچ دلیلی، خروج آقای هوشنگ دانش آخرین نماینده تامز را از ایران توجیه نمی‌نماید؛ زیرا هیچ‌گونه خطري ایشان را که يك شخص حقيقي ايراني و نماینده صاحب سهم يك شخص حقوقی ایرانی بوده، تهدید نمی‌کرده است و اصولاً در پرونده امر هم هیچ نوع دلیلی که حکایت از تهدید خطر نماید، عنوان نشده است.

و. نتیجه

از مطالب پیش گفته معلوم می‌شود که:
1. تامز و آفا في الذمه سازمان هواپیمایی کشوری با بت دستمزد خدمات مشاوره‌ای مربوط به قرارداد فرودگاه جدید بین‌المللی تهران را به مؤسسه تامز آفا - مهندسين مشاور و معماران منتقل کرده‌اند و لذا در خصوص مورد، تبدیل تعهد³⁸ انجام نیافته و مؤسسه اخیرالذکر

38. از موارد تبدیل تعهد، یکی هم تبدیل دائن است. طبق ماده 292 قانون مدنی ایران «تبدیل تعهد در موارد ذیل حاصل می‌شود:

(1) ...

(2) ...

منتقل‌الیه و مالک دستمزد خدمات مذکور
بشمار نمی‌رود.

2. تامز و آفا تا تاریخ دهم اسفند
ماه 1358 بابت بهای خدمات مشاوره‌ای
مربوط به قرارداد فرودگاه جدید
بین‌المللی تهران طلب قطعی و مسلمی که
بدون نیاز به هیچ‌گونه رسیدگی قضایی
میزان آن معلوم و معین باشد، از سازمان
هواپیمایی کشوری نداشته‌اند تا به فرض
تبدیل تعهد، بتوان ذمه سازمان مزبور را
به همان میزان در برابر مؤسسه تامز آفا
— مهندسین مشاور و معماران، مشغول
دانست.

3. دولت ایران اقدامی که موجب سلب
حقوق مالکانه تامز در مؤسسه تامز آفا —
مهندسین مشاور و معماران باشد، انجام
نداده است.

4. به فرض اینکه در موارد يك و سه
فوق‌الذکر تردیدی وجود داشته و یا حتی
خلاف آن موارد محرز و مسلم باشد، باز هم
دیوان داور نمی‌توانسته است در ماهیت
امر رأی دهد؛ زیرا رسیدگی به ادعای

(3) وقتی که متعهدله ما فی‌الذمه متعهد را به کسی
دیگر منتقل نماید.»

مدعي ملازمه با رسيدگي به اصل استحقاق تامز و آفا در مطالبه بهاي خدمات مشاوره اي آنان از سازمان هواپيمائي کشور داشته است و رسيدگي مزبور همان طور که خود ديوان هم متذکر شده، در صلاحيت آن ديوان نبوده است.

5. اقدام ديوان داوري رسيدگي به امري که قبلاً عدم صلاحيت خود را در آن خصوص اعلام داشته برخلاف اصول حقيقي بوده است مضافاً به اينکه رسيدگي مزبور که بدون توجه به مدافعات سازمان هواپيمائي کشوري و دعوي متقابل مطروحه از طرف آن سازمان معمول گرد يده، ناقص و برخلاف اصول عدالت و انصاف بوده است.

ديوان داوري با رأي آنچناني خویش دولت ايران را محکوم به پرداخت مبالغه کرده است که بزعم آن ديوان، مؤسسه تامز آفا - مهندسين مشاور و معماران از سازمان هواپيمائي کشوري طلب داشته است؛ در حالیکه نه طلبکار ادعاي مزبور، مدعي طلب بوده و نه بدهکار ادعائي مذکور مقرر به وجود بدهي، و هر دو آنان منکر امر بوده اند.

اگر قضاات دیوان داوری به اجرای حق، قانون، عدالت و انصاف علاقمند بودند بآسانی می‌توانستند به اتخاذ تصمیم شایسته و صدور رأی عادلانه مبادرت نمایند. آن رأی می‌توانست چنین باشد:

احتساب و جوه صورت حسابهای پرداخت نشده مربوط به قرارداد فرودگاه جدید بین‌المللی تهران در جزو دارائیهای مؤسسه تامز آفا - مهندسین مشاور و معماران، ملازمه با رسیدگی به اصل استحقاق تامز و آفا در مطالبه وجه آن صورتحسابها از سازمان هواپیمائی کشوری ایران دارد و چون دیوان داوری ایران - ایالات متحده امریکا به استناد بند یک ماده دوم بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر درباره حل و فصل دعاوی توسط دولت ایالات متحده امریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران و ماده نوزدهم قرارداد فرودگاه جدید بین‌المللی تهران، فاقد صلاحیت رسیدگی به اصل مزبور است، لذا دعوی مطروحه از طرف مدعی در قمستی که ملازمه با احتساب و جوه مذکور در جزو دارائیهای تامز آفا - مهندسین

مشاور و معماران دارد، در وضع فعلی که از طرف مرجع صلاحیتدار درخصوص مورد رسیدگی نشده و موضوع به صدور حکم قطعی منجر نگردیده است، در دیوان داورى مسموع نخواهد بود.

چنان رأی نمی‌توانست معارض با اصل حقوقی مورد استناد دیوان داورى که می‌گوید: «هیچ‌کس نباید مجاز باشد که از عمل خلاف خود تحصیل سود کند». باشد؛ زیرا در صورت صدور چنان رأی، نه سازمان هواپیمائی کشوری (بفرض که بدهی مسلم خود را نپرداخت باشد) و نه دولت ایران (بفرض که موجب محرومیت تامز از حقوق مالکانه اش در مؤسسه تامز آفا - مهند سین مشاور و معماران شده باشد) هیچ‌کدام نمی‌توانستند از اعمال خود تحصیل سود کنند؛ چرا که مدعی می‌توانست پس از صدور رأی مذکور با طرح دعاوی لازم در مراجع صلاحیتدار، نخست پایه‌های اساسی ادعاهای خود را (بدهی مسلم سازمان هواپیمائی کشوری ایران به تامز و آفا و تبدیل تعهدات سازمان مذکور به لحاظ تبدیل دائن) احراز و سپس دولت ایران را

با فرض انجام اعمالی که موجب محرومیت مدعی از حقوق مالکانه اش در مؤسسه تامز آفا - مهندسین مشاور و معماران شده است، به پرداخت خسارات محکوم نماید.

دیوان داور با اینکه ضمن رأی مورد بحث بصراحت اعلام می‌دارد: «دیوان داور تصدیق می‌کند که دقت در تعیین ارزش حسابهای دریافتی بموجب قرارداد فرودگاه بین‌المللی و تعهدات مربوطه در غیاب فیصله قطعی و قاطع اختلافات فیما بین هواپیمائی کشوری و تامز آفا که امری است خارج از صلاحیت دیوان، کار دشواری است...»، مع ذلك معلوم نیست به چه جهت با زیر پا گذاشتن اصول حقوقی، عدالت و انصاف و ضمن یک رسیدگی ناقص، به انجام آن کار دشوار مبادرت ورزیده است.